

زیست جهان دانشجویان: به سوی چندگانگی مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر¹

ابوالفضل مرشدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی نظری و فرهنگی دانشگاه تهران
(تاریخ دریافت 1388/10/20 تاریخ پذیرش 1389/5/25)

چکیده: مطالعات صورت گرفته در حوزه دانشجویی کشور نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر فضای ذهنی و فکری دانشجویان و به تبع آن فضای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها تا حدی دچار تکثر شده است. به ویژه این وضعیت در رفتارها و کنش‌های دینی دانشجویان قابل مشاهده است. در این مقاله، با استفاده از الگوی تبیینی پیتر برگر، این تکثر که به عنوان چندگانه شدن زیست-جهان دانشجویان از آن‌ها یاد می‌شود، در دانشگاه صنعتی امیرکبیر مورد بررسی قرار گرفته و با بهره‌گیری از روش پیمایش و اسنادی و مشاهده همراه با مشارکت نشان داده شده است که به‌طور ضمنی، هم در سطح عموم دانشجویان و هم در سطح تشکلهای دانشجویی، زیست جهان اصولگرایی انقلابی و زیست جهان عرفی² از هم قابل تشخیص است.

واژگان کلیدی: زیست جهان، زیست جهان اصولگرایی انقلابی، زیست جهان عرفی، دین خصوصی، تکثرگرایی دینی، کانون‌های فرهنگی و هنری دانشجویی.

مقدمه و طرح مسأله

اجرای برنامه‌های توسعه توسط دولت‌های بعد از جنگ تحمیلی، جامعه ایران را بیش از پیش به جامعه‌ای مدرن نزدیک کرده است. در این فرایند، متکثرشدن³ که جزء

1. این مقاله تحلیلی است از فضای اجتماعی و دانشجویی دانشگاه صنعتی امیرکبیر تا سال 1384. بعد از این سال و با تغییر مدیریت فرهنگی دانشگاه، تغییرات زیادی در فضای فرهنگی دانشگاه و فعالیت‌های دانشجویی ایجاد شد که پرداختن بدان مجال دیگری را می‌طلبد.

2. مراد من از مفهوم عرفی شدن در توضیحات جداول شماره 2 و 4 همین مقاله آمده است.

3. Pluralization

جدایی ناپذیر جامعه مدرن است (وبر، 1382؛ برگر، 1967) در جامعه ما تا حد قابل ملاحظه‌ای محقق شده است. تنوع یافتن شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی (شبکه‌های داخلی و ماهواره‌ای)، ظهور روزافزون سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌ها، افزایش شمارگان کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات و تنوع یافتن آن‌ها، و افزایش تعداد و تنوع فیلم‌ها و ... همگی گویای این وضعیت هستند. این وضعیت به‌ویژه در دانشگاه، که یکی از مهم‌ترین نهادهای پیشرو در مدرن کردن جامعه محسوب می‌شود، بیش از هر جای دیگری تحقق یافته است و دانشجویان به‌خاطر ویژگی‌های خاص خود (جوان بودن، کنجکاو بودن، داشتن اوقات فراغت کافی و ...) بیش‌ترین تأثیر را از این وضعیت پذیرفته‌اند (فاضلی 1386). در این وضعیت بسیاری از رفتارها و کنش‌ها، ذائقه‌ها و فضای فکری و احساسی دانشجویان تغییر زیادی کرده و به‌تبع، این تغییرات تا حدی به حوزه رفتارها و کنش‌های دینی و مذهبی دانشجویان نیز کشیده شده است و به‌نظر می‌رسد در بین بخشی از دانشجویان، اعتبار مضامین دینی و کنش‌ها و رفتارهای دینی و مذهبی تا حدی کمرنگ شده است (توسلی و مرشدی 1386؛ نایی و آزاد ارمکی 1385).

همزمان با روند فوق‌الذکر، در حوزه فعالیت دانشجویی از اواسط دهه 70 به بعد با رشد روزافزون تعداد تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها روبرو بوده‌ایم که کانون‌های فرهنگی، شوراهای صنفی، و انجمن‌های علمی از جمله مهم‌ترین آن‌ها هستند. این تشکل‌ها بر اساس آیین‌نامه تشکل‌های اسلامی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس نمی‌شوند، بلکه بر اساس آیین‌نامه کانون‌های فرهنگی و هنری تشکیل شده‌اند که در وزارت خانه علوم، تحقیقات و فناوری به تصویب رسیده است و از طرف دانشگاه و وزارت علوم مورد حمایت قانونی - مالی قرار دارند. انجمن‌های علمی صرفاً برای انجام فعالیت‌های علمی و آموزشی به‌وجود آمده‌اند. شوراهای صنفی، طبق آیین‌نامه، صرفاً برای پیگیری مسائل صنفی دانشجویان تأسیس شده‌اند و کانون‌های فرهنگی و هنری هم به منظور "پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و رشد خلاقیت‌های فرهنگی دانشجویان" به فعالیت در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری تأسیس شده‌اند (آیین‌نامه کانون‌ها، 1380). این کانون‌ها که در سال 1377 با ابلاغ آیین‌نامه آن‌ها به‌طور رسمی تأسیس شدند به سرعت در دانشگاه‌های کشور گسترش یافتند به‌طوری‌که در اولین همایش این کانون‌ها در آبان 1378، 600 دانشجوی عضو این کانون‌ها از سراسر کشور حضور داشتند (فاضلی، 1384: 58). پنج سال

بعد در همایش دوم این کانون‌ها در آذرماه 1383، 532 کانون از 55 دانشگاه کشور شرکت داشتند که از این تعداد، 36 کانون قرآن و عترت، 64 کانون ادبی، 51 کانون فیلم و عکس، 48 کانون هنرهای تجسمی، 26 کانون گفتگوی تمدن‌ها، 46 کانون موسیقی، 49 کانون هنرهای نمایشی، 12 کانون آسیب‌های اجتماعی، 11 کانون محیط زیست، 43 کانون امداد و هلال احمر، 40 کانون گردشگری، 33 کانون اندیشه و 56 کانون در موضوعات دیگر بودند. همچنین نام 188 نشریه متعلق به این کانون‌ها گزارش شده است (گزارش همایش اول و دوم کانون‌های فرهنگی و هنری). حوزه فعالیت کانون‌های فرهنگی و هنری در دانشگاه بسیار متنوع است و از فعالیت‌های قرآنی تا ایران‌شناسی، ادبی، موسیقی، تئاتر، آسیب‌شناسی اجتماعی، و ... را در برمی‌گیرد. در این کانون‌ها رویکردهای فکری مختلفی وجود دارد و اتفاقاً همین تنوع و تکثر رویکردها در کانون‌های فرهنگی است که برای این مقاله از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این مطالعه که عمدتاً مطالعه‌ای اکتشافی است، به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم که:

- آیا می‌توان گفت فضای فرهنگی و اجتماعی دانشجویان، یا آنچه که بر اساس چارچوب مفهومی این مقاله زیست جهان¹ دانشجویان نامیده می‌شود، دچار چندگانگی و تکثر شده است؟

- به عبارت دیگر، آیا می‌توان بر اساس رفتارها، کنش‌ها و نوع تعاملات دانشجویان، سخن از زیست جهان‌های مختلف در بین دانشجویان گفت؟

- در صورت امکان، چه زیست جهان‌هایی بین دانشجویان وجود دارد و چه نوع‌بندی می‌توان از این زیست جهان‌ها ارائه داد؟

- و گرایش‌های دینی دانشجویانی که با هر یک از این زیست جهان‌ها در ارتباط هستند، چگونه است؟

مطالعات پیشین

تا کنون مطالعات زیادی در حوزه دانشجویی کشور انجام شده است و بسیاری از آن‌ها تغییرات محیط اجتماعی و فرهنگی دانشجویان، را به‌ویژه از منظر تغییرات میزان و نوع دینداری، مورد بررسی قرار داده‌اند. آزاد ارمکی و غیاثوند (1381) سخن از "بی‌شکلی

1. Life-World

دین‌ورزی" در بین جوانان پس از انقلاب گفته‌اند. توسلی و مرشدی (1386) نشان داده‌اند که گرایش به دین خصوصی، تکثرگرایی دینی و گزینش‌گری در دین در بین دانشجویان در حال افزایش است. اسماعیلی (1379) استدلال کرده که نگاه و انتظار دانشجویان از دین در حال تغییر است به‌طوری‌که دین در حال تغییر مکان از حوزه عمومی به حوزه خصوصی است و ساحت‌های عرفانی و کلامی دین در حال سبقت بر ابعاد فقهی آن است. رجب‌زاده (1379) نحوه تعامل علم و دین در دانشگاه و میزان علم‌گرایی و دین‌گرایی دانشجویان را مورد بررسی قرار داده و نشان داده است که با افزایش علم‌گرایی دانشجویان، باور آن‌ها به دین سنتی کاهش می‌یابد. نایی و آزادارمکی (1385) که با هدف بررسی اعتبار تجربی نظریه سکولاریزاسیون برگر و نقش آموزش عالی بر سکولار شدن افراد، دانشجویان دانشگاه تهران را با جوانان فاقد تحصیلات تکمیلی ساکن تهران مقایسه کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که تحصیلات عالی نقشی در سکولار کردن افراد دارد اما این نقش بسیار کم است؛ به‌طوری‌که بخش کوچکی از کسانی که تحصیلات عالی دارند، سکولارند. حبیب‌زاده (1384) نشان داده که در بین دانشجویان سه نوع الگوی دینداری شریعتی، اجتماعی و باطنی رواج دارد و استدلال کرده با توجه به اینکه الگوی دینداری باطنی در بین دانشجویان از مقبولیت بیش‌تری برخوردار است، دینداری دانشجویان به سمت خصوصی شدن و فردی شدن میل می‌کند. میرسندسی (1383) نشان داده است که چهار الگوی دو قطبی دینداری شامل: دینداری باواسطه (روحانیت) / بی‌واسطه؛ دینداری رسمی / غیررسمی؛ دینداری سنتی / پویا؛ و دینداری ایدئولوژیک / غیر ایدئولوژیک، به نسبت‌های مختلف در بین دانشجویان رواج دارد. سراج‌زاده و جواهری (1380) چهار الگوی "مسلمانی" را در بین دانشجویان شامل مسلمان عادی (سنتی)، مسلمان نواندیش، مسلمان انقلابی‌ولایتی و مسلمان شناسنامه‌ای، تشخیص داده‌اند. شالدهی (1380) که به بررسی ارتباط بین رویکرد دینی و فرهنگ سیاسی دانشجویان پرداخته، نشان داده است که دانشجویان کارشناسی ارشد سکولارتر از دانشجویان مقطع کارشناسی هستند و هر چه فرد به لحاظ سیاسی وفاق‌گراتر و مشارکت‌جوتر باشد، سکولارتر خواهند بود. هاشم‌زاده (1379) نیز سه الگوی فرهنگ سیاسی را شامل الگوهای مشارکتی، تابع و ایدئولوژیک بین دانشجویان تشخیص داده است. آزادارمکی و شالچی (1386) دو سبک زندگی «اصولگرایی انقلابی» و «پسامدرن» را در بین جوانان شهر تهران را تشخیص داده‌اند؛

جووانانی که از سبک زندگی اصول گرایی انقلابی تبعیت می کنند، با ویژگی هایی چون تأثیرپذیری از ارزش های انقلاب اسلامی، تأکید بر حفظ شیوه زندگی اسلام گرا و انقلابی، نفی مصرف گرایی غربی، دوری از نشانه های هویت غربی و مدرن، برداشت فقاهتی از ارزش های اسلامی، اجتناب از روابط محرم و نامحرم و دوری از مدگرایی معرفی شده اند و در مقابل، جووانان متأثر از سبک زندگی پسامدرن، با ویژگی هایی چون مدگرایی، گسترش ارتباط با جنس مخالف، تأثیرپذیری از جریان های جهانی مصرفی و ... تعریف شده اند. همان گونه که مطالعات بالا نشان می دهد، گویی در سال های اخیر نگرش ها و رفتارهای، حداقل بخشی از، دانشجویان، به ویژه در حوزه دین، تغییراتی را از سر گذرانده، به طوریکه دانشجویان از الگوهای دینداری متفاوتی تبعیت می کنند و نگرش ها و رویکردهای مختلفی به دین دارند. اما مطالعات صورت گرفته در حوزه دانشجویی در کشور عمدتاً مبتنی بر پژوهش های کمی و پیمایشی است و بنابراین به سنجش باورها، نگرش ها و رفتارهای فردی دانشجویان اکتفا کرده است و کم تر رد این الگوهای نگرشی و رفتاری را در اشکال نهادینه شده و ساختار یافته، آن دنبال کرده است. به عبارت دیگر، این مطالعات کم تر به فضای اجتماعی و فرهنگی دانشجویی در دانشگاه ها، و به ویژه به فعالیت ها و عملکردهای جمعی و تشکلی دانشجویی پرداخته اند و بنابراین، نمی توانند تغییرات صورت گرفته در فضای اجتماعی و فرهنگی دانشجویی در دانشگاه ها را به خوبی ترسیم کنند. در راستای رفع این کاستی، در این مقاله تلاش شده در کنار پیمایش نگرش ها و رفتارهای فردی عموم دانشجویان، با استفاده از روش های اسنادی و مشاهده همراه با مشارکت، تبیین و نوع بندی ای از الگوها و رویکردهای رایج بین تشکلهای و کانون های دانشجویی یکی از دانشگاه های فعال و پیشرو در زمینه فعالیت های دانشجویی ارائه شود.

چارچوب نظری و مفهومی تحقیق

چارچوب نظری این مقاله مبتنی بر رهیافت پدیدارشناسی آلفرد شوتمس است که در کتاب ساخت اجتماعی واقعیت (برگر و لاکمن، 1375) ساخته و پرداخته شده و سپس توسط پیتر برگر و همکاران در کتاب ذهن بی خانمان (1381) در مورد فرآیند نوسازی¹ در کشورهای در حال توسعه و فرآیند نوسازی زدایی² در کشورهای پیشرفته به خوبی به کار گرفته شد.

1. Modernization

2. De- Modernization

در این رهیافت به جامعه به مثابه دیالکتیکی بین داده‌های عینی (ساختار اجتماعی) و معانی ذهنی (آگاهی) نگریسته می‌شود؛ یعنی تعاملی دو سویه بین آنچه به‌عنوان واقعیتی بیرونی تجربه می‌شود (به طور مشخص، نهادهایی که فرد با آن‌ها مواجه است) و آنچه که به منزله آگاهی درونی فرد به فهم در می‌آید (برگر، 1381: 25). به خاطر همین رابطه دیالکتیکی و تعاملی بین آگاهی و ساختار است که هر مجموعه از آگاهی‌ها یا شبکه‌های معنایی برای تداوم و انسجام خود به فرایندهای اجتماعی خاص وابسته است. به‌عنوان مثال آدمی می‌تواند هویتی را که برای خود به‌عنوان فردی مهم قائل است، فقط در محیطی حفظ کند که این هویت توسط دیگرانی که با او در ارتباط هستند (همکاران، اعضای خانواده و...) تأیید شود. از این منظر، هر واقعیت اجتماعی یا هر تغییر اجتماعی که در سطح ساختاری جامعه رخ می‌دهد قرینه‌اش را در سطح آگاهی یا درون ذهن افراد داراست.

اما آنچه در این رهیافت در کانون توجه است نه اندیشه‌های نظری و ساخت یافته (که در قالب ایدئولوژی یا نظریه‌های علمی مطرح است و توسط روشنفکران و دانشمندان ساخته و پرداخته می‌شوند)، بلکه آگاهی زندگی روزمره¹ آدمیان است. این آگاهی ما قبل-نظری² و ساخت نیافته است و شامل رشته‌ای به هم پیوسته از معانی است که به فرد امکان می‌دهد تا راه خود را از میان رویدادهای معمولی و برخوردهای زندگی با دیگران در پیش گیرد. کل این شبکه معنایی که فرد در آن با دیگران شریک است رازست جهان اجتماعی³ خاص گویند (برگر و همکاران، 1381: ص 25). به بیان دیگر، زیست جهان اجتماعی مجموعه در هم تنیده‌ای از واقعیت‌های ذهنی (تعاریف از واقعیت) است که در درون شبکه‌ای از افراد و از طریق ارتباطات و تعاملاتی که با هم شکل می‌دهند، به‌صورت بین‌الذهانی، برساخته می‌شود.⁴ این تعاریف از واقعیت از آن جهت واقعیت ذهنی خوانده می‌شوند که افرادی که خود آن‌ها را ساخته‌اند کم‌تر در صحت آن‌ها تردید روا می‌دارند و آن را به‌عنوان واقعیت مسلم و بدیهی⁵ می‌پذیرند. با شکل گرفتن این تعاریف، هر واقعیت جدیدی که افراد متعلق به این زیست جهان در موقعیتی خاص تجربه می‌کنند از طریق چنین تعاریفی معنادار می‌شود و اهمیت می‌یابد. این تعاریف انواع گوناگون دارند؛ بعضی از آن‌ها به آنچه هست اشاره دارند (تعاریف شناختی) و برخی از آن‌ها به آنچه باید باشد

1. Every day life Consciousness
3. Life World

2. Pre - Theoretical
4. Construct

5. Taken- for- granted

اشاره دارند (تعاریف هنجاری). اما نکته مشترک در همه آنها اینست که همه افراد متعلق به این زیست جهان به آن باور دارند (برگر و همکاران، 1381: 26). بنابراین می توان گفت زیست-جهان اجتماعی کنش های روتین (راهوار)، راه حل های مسائل و تفسیرهایی از جهان اجتماعی را در اختیار کنشگران متعلق به خود قرار می دهد تا آنها بتوانند، به ویژه در موقعیت های تردیدآمیز، مسیر "درست" را از مسیر "نادرست" تشخیص دهند (ریترز، 1389: 312).

این تعاریف از واقعیت (واقعیت های ذهنی) نیاز به حمایت و تأیید پی در پی اعضای متعلق به زیست جهان مربوط دارند که این حمایت و تأیید در تعاملات و ارتباطات پی در پی افراد در درون زیست جهان محقق می شود. این امر حتی در موقعیتی نه چندان مهم مانند سلام و احوالپرسی دو فرد متعلق به یک زیست جهان خاص روی می دهد. اما "دیگران مهم" افراد نقش اساسی در حفظ واقعیت ذهنی آنها دارند. افراد برای حفظ این اطمینان خاطر که به راستی همان کسی هستند که فکر می کنند، نه تنها به تأیید ضمنی این هویت نیاز دارند (که حتی در برخوردهای اتفاقی روزمره حاصل می شود)، بلکه نیازمند تأیید صریح و آکنده از بار عاطفی دیگران مهم خود در زیست جهان مربوطشان هستند. این دیگران مهم می توانند دوستان صمیمی، استادان و معلمان و ... باشند. در این میان ارتباط زنده و به ویژه گفتگو نقش اساسی در حفظ واقعیت ذهنی بازی می کند. از طریق گفتگو است که واقعیت های ذهنی برای افراد یادآوری می شود و آنها باز می توانند خودشان را از طریق همین تعاریف از واقعیت بشناسند. آنها از همین طریق است که می توانند پیوندشان را با دیگر اعضای متعلق به زیست جهان مستحکم کنند و خود را بیش تر به آنها بشناسانند و از دیگران شناخت بیش تری حاصل کنند. اهمیت گفتگو از آنجا مشخص می شود که در نظر داشته باشیم چیزی که هرگز درباره اش سخنی گفته نشود به تدریج متزلزل می شود و کم کم اهمیت خود را نزد افراد از دست می دهد و قطعیت آن در ذهن آنها کمرنگ می شود (برگر و لاکن، 1375: 175).

تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم تحقیق

1. زیست جهان های دانشجویان

اشاره شد که زیست جهان اجتماعی، رشته ای از معانی به هم پیوسته و تعاریف از واقعیت است که فرد در آنها با دیگران سهیم است. مبتنی بر همین تعاریف است که فرد می تواند

راه خود را از میان رویدادهای معمولی و برخوردهای زندگی با دیگران - در زندگی روزمره - در پیش گیرد. هر فردی با زیست جهان خاصی عجین است و برای وی این زیست-جهان از اهمیت بیش تری نسبت به سایر زیست-جهان‌هایی که با آن‌ها در ارتباط است، برخوردار است. معمولاً مهم‌ترین زیست-جهان هر فرد همانی است که فرد بیش تر با آن در ارتباط است. به این ترتیب، برای فرد شاغل زیست جهانی که در محل کارش بین او و سایر همکارانش و همه عوامل کار (مدیر، مشتری، ابزار کار و...) شکل می‌گیرد، احتمالاً مهم‌ترین زیست جهان وی محسوب می‌شود. برای دانشجویان که بیش تر وقت آن‌ها در دانشگاه (یا خوابگاه، به ویژه برای دانشجویان خوابگاهی) و در ارتباط با دیگر دانشجویان صرف می‌شود، زیست-جهانی که در دانشگاه توسط دانشجویان ساخته می‌شود مهم‌ترین زیست-جهان برای آن‌ها محسوب می‌شود، هر چند آن‌ها با زیست جهان‌هایی چون زیست جهان خویشاوندان و احتمالاً زیست جهان محیط کار خود نیز در ارتباطند.

هر فرآیند نهادی خاص، زیست-جهان خاص خود را ایجاد می‌کند. طبیعی است دانشگاه نیز، به عنوان نهادی که برای تولید و ترویج علم و فناوری ایجاد شده، زیست جهان خاصی را برای خود ایجاد می‌کند که در آن (به ویژه در دانشگاه‌های صنعتی) ارزش‌های مرتبط با علم و فناوری مانند عام‌گرایی، کنترل احساس، و تفکر انتزاعی از جایگاه و مرتبه بلندی برخوردار است. اما در دانشگاه، دانشجویان تنها درس نمی‌خوانند و تنها فعالیت علمی و تخصصی انجام نمی‌دهند. برای دانشجویان، دانشگاه علاوه بر محیط علمی، محیطی است برای تجربیات جدید از جمله آشنایی با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و اندیشه‌های جدید، افزایش شناخت و ارتباط با جنس مخالف، تقویت توانمندی‌های ارتباطی و مدیریتی خود، انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و ... بنابراین می‌توان گفت در درون زیست جهان علمی که در درون دانشگاه شکل گرفته و همه دانشجویان به آن تعلق دارند، خرده زیست جهان‌هایی نیز شکل می‌گیرند. به این ترتیب، مراد ما از زیست جهان دانشجویان، شبکه‌ای از معانی به هم پیوسته است که نه فقط در محیط‌های علمی و تخصصی دانشگاه (کلاس‌های درس، آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها، دفتر مجلات علمی و تخصصی، و ...) بلکه آن جاهایی که دانشجویان کم‌تر دغدغه درس و کلاس و استاد دارند، شکل می‌گیرد. شوراهای صنفی دانشکده‌ها، سلف سرویس، صحن عمومی دانشگاه، دفتر نشریات دانشجویی، خوابگاه‌های دانشجویی، اردوهای دانشجویی و ...

مکان‌هایی عمومی برای دانشجویان هستند که در آن‌ها دانشجویان با "گپ"ها و "گفتگو"هایی که ترتیب می‌دهند و با ارتباطات و تعاملاتشان، به صورت مشترک، به ساختن واقعیت اجتماعی مشغولند. اما در این میان، تشکل‌های دانشجویی از جایگاه خاصی در ساختن زیست جهان دانشجویان برخوردارند. این تشکل‌ها معمولاً حاصل تلاش تعدادی از افراد است که دارای دغدغه‌خاطر و به عبارتی، تعاریف مشترک از واقعیت بوده‌اند که در قالب اهداف تشکل، در اساسنامه آن تبلور می‌یابد. این دغدغه‌خاطر‌ها و تعاریف از واقعیت با شکل‌گیری تشکل، رسمیت بیش‌تری می‌گیرد و فعالان تشکل در ضمن اینکه تعاریف خود از واقعیت را با برگزاری جلسات گفتگو و بحث تعمیق و ثبات می‌بخشند، با مراد و ارتباط با دیگر تشکل‌ها و تلاش برای جذب دیگر دانشجویان به بسط و گسترش آن می‌پردازند. در ضمن همین مراد و هم‌کنشی‌هاست که تعاریفی از واقعیت بین تعداد قابل توجهی از دانشجویان بسط می‌یابد و به این ترتیب خرده زیست-جهان‌های دانشجویان تقویت می‌شود. این خرده زیست‌جهان‌ها از طریق برقراری ارتباط با جریان‌های فکری و فرهنگی در جامعه قوت بیش‌تری می‌گیرد و تثبیت می‌شود. می‌توان تشکل‌های دانشجویی را متبلور شدن و نهادینه شدن تعاریفی از واقعیت دانست که در عامه دانشجویان فراگیر است، به عبارتی وقتی برخی از تعاریف در بخش قابل توجهی از دانشجویان شکل گرفت و مقبولیت یافت، تعدادی از دانشجویانی که تعلق خاطر بیش‌تری به این تعاریف و معانی دارند، دست به نهادینه کردن و تثبیت آن‌ها از طریق تأسیس تشکل دانشجویی می‌زنند.

بنابراین، می‌توان گفت تعدادی زیست‌جهان در میان عامه دانشجویان وجود دارد که عمدتاً در گپ و گفتگوها و هم‌کنشی‌های دانشجویان در دانشگاه و خوابگاه شکل گرفته است. این زیست‌جهان‌ها دچار پراکندگی و عدم انسجام هستند اما می‌توان آن را در روابط غیررسمی دانشجویان در دانشگاه، خوابگاه و ... مشاهده کرد. برخی از این تعاریف از واقعیت به حدی از انسجام و قوت دست یافته‌اند که توانسته‌اند در قالب یک تشکل دانشجویی با خط‌مشی مشخص تبلور یابند و در واقع یک زیست‌جهان اجتماعی را شکل دهند.

برای مطالعه زیست‌جهان دانشجویان نخست، چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه بررسی شد و میزان و چگونگی ارتباط دانشجویان با مراجع، منابع و

گروه‌هایی که دانشجویان در ارتباط با آن‌ها واقعیت‌های ذهنی خود را شکل می‌دهند، مطالعه شد. برای سنجش چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان، میزان و چگونگی استفاده از برنامه‌های رادیو و تلویزیون و سایت‌های اینترنت، میزان مطالعه و نوع مطالعه، میزان گوش دادن به موسیقی و نوع موسیقی، میزان و نوع ارتباط با گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی، میزان مشاهده فیلم‌ها و سریال‌ها و نوع آن‌ها، و میزان و نوع گفتگوهای دوستانه‌ای که در آن شرکت می‌کنند و میزان شرکت در مراسم و مناسک دینی مورد پرسش قرار گرفت. سپس با اسانامه و مرامنامه تشکل‌ها و عناوین برنامه‌های برگزار شده توسط آن‌ها از بدو تأسیس تا کنون مورد بررسی قرار گرفت.

2. سطح دینداری و گرایش‌های دینی

پیتر برگر ضمن توصیف روند متکثر شدن واقعیت اجتماعی، اولین پیامد این وضعیت متکثر را برای حوزه دین، خصوصی شدن آن می‌داند. او همچنین بر این نظر است که باورهای دینی در نبود تأیید دائمی عمومی، خصلت قطعی خود را از دست می‌دهند و به موضوعاتی انتخابی بدل می‌شوند. با ورود عنصر ترجیح و گزینش‌گری در حوزه دین، در عرصه عمومی جامعه، تفاسیر مختلفی از دین ظهور می‌یابند و در سطح آگاهی ذهنی افراد، انواع سبک‌های دینداری پدید می‌آید (برگر و دیگران، 1381: 87-89).

بر این اساس، سه مفهوم «گرایش به دین خصوصی»، «برخورد گزینشی با دین» و «تکثرگرایی در دین» را از آراء پیتر برگر اخذ کردیم و با تعریف عملیاتی از آن‌ها، مورد سنجش قرار دادیم. در تعریف عملیاتی از مفهوم «گرایش به دین خصوصی» از سه گویه 1. عدم نیاز دین به متولی، 2. اداره جامعه با تکیه بر عقل، و 3. وابستگی پاکی انسان به نیت او استفاده کردیم. در تعریف عملیاتی از مفهوم «تکثرگرایی در دین» از سه گویه 1. دوستی با افراد با مذهب متفاوت، 2. منافات دین با گوش دادن به موسیقی‌ها و فیلم‌ها، و 3. عدم اهمیت نوع مذهب در رسیدن به حقیقت استفاده کردیم. در تعریف عملیاتی از مفهوم «برخورد گزینشی به دین» از چهار گویه 1. عدم انجام احکام شرعی ناموجه (از نظر عقل)، 2. توان خود فرد در تشخیص گناه از غیر گناه، 3. تطابق دادن آموزه‌های دینی با عقل انسان امروزی و 4. مراجعه به عقل به جای مراجعه به توصیه‌های دینی در زندگی استفاده کردیم. برای سنجش باور دینی دانشجویان نیز از گویه‌های 1. باور به جهان آخرت، 2. باور به

رسالت الهی پیامبران،³ باور به بلا و آزمایش الهی،⁴ برتری دین بر عقل در بیان حقایق هستی و⁵ اندیشیدن پایایی به خدا استفاده کردیم. برای بررسی پایایی¹ متغیرها از روش پایداری درونی (ضریب آلفا) بهره گرفتیم، یعنی با بررسی ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها و محاسبه ضریب آلفای نسبتاً بالای آن‌ها، انسجام درونی بالای گویه‌ها تأیید شد (جدول 1).

جدول 1: ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها

متغیرها	باور دینی	گرایش به دین خصوصی	برخورد گزینشی با دین	تکررگرایی در دین
ضریب آلفای کروناخ	0/69	0/72	0/84	0/74

برای بررسی اعتبار² گویه‌ها از اعتبار ظاهری³ استفاده شد، به این ترتیب که کلیه گویه‌ها توسط چند تن از اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

روش تحقیق

در این مطالعه دانشگاه امیرکبیر به عنوان محل انجام مطالعه موردی انتخاب شد. دانشگاه امیرکبیر به علت فضای فشرده‌ای که دارد و به علت اینکه تنها دارای رشته‌های فنی و مهندسی است، از همگونی و یکدستی بالایی برخوردار است و تعاملات بین گروه‌های مختلف دانشجویی بیش‌تر و فشرده‌تر است و بالتبع، بحث‌ها و گفتگوهای دانشجویی بیش‌تر است. شاهد این مدعا، پیشرو بودن این دانشگاه در فعالیت‌های دانشجویی کشور است. همچنین این دانشگاه یکی از دانشگاه‌های پیشرو در تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری است به طوری که مدت‌ها پیش از ابلاغ بخشنامه وزارت علوم مبنی بر تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری در دانشگاه‌ها در بهمن 1380، تعدادی از این نوع کانون‌ها در دانشگاه امیرکبیر شکل گرفته بودند. همچنین، بعد از تأسیس رسمی کانون‌های فرهنگی و هنری دانشگاه‌ها، دانشگاه امیرکبیر نقش فعال و مؤثری در مجامع کانون‌های فرهنگی داشته است. در این دانشگاه 11 کانون فرهنگی با نام‌های کانون قرآن و عترت، ادبی، تئاتر، انتظار،

1. Reliability

2. Validity

3. Face validity

کتاب و کتابخوانی، فیلم و عکس، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، گفتگو (ی تمدن‌ها)، موسیقی، ایرانگردی، و هنرهای تجسمی وجود دارد. تا کنون اولین دوسالانه قرآن پژوهی کشور (در سطح وسیع و با حضور نهادهای مختلف قرآنی و قرآن پژوهان مختلف در کشور) توسط کانون قرآن و عترت دانشگاه امیرکبیر برگزار شده است. همچنین دو برنامه ماهنامه ادبی با حضور فعالان کانون‌های ادبی دانشگاه‌های سراسر کشور در این دانشگاه برگزار شده است. کانون تئاتر این دانشگاه چندین بار در جشنواره تئاتر دانشگاهی کشور مقام نخست را به خود اختصاص داده است. همچنین در چند سال پیاپی "جشنواره تابستانی پلی تکنیک" با حضور فعال بسیاری از کانون‌های فرهنگی این دانشگاه و با حضور تعداد زیادی از اندیشمندان، روشنفکران و هنرمندان در این دانشگاه برگزار شده است.

در این تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌ها، نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان و بررسی گرایش‌های دینی آن‌ها، از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه بهره جستیم؛ به این ترتیب که از پاسخگویان خواستیم نظر خود را در مورد هر یک از گویه‌ها بر روی یک طیف 5 قسمتی از نوع لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) اعلان کنند. سپس از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل نتایج پیمایش استفاده شد.

برای تعیین حجم نمونه از جمعیت 6003 نفری دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی امیرکبیر، از فرمول کوکران استفاده کردیم که با ملحوظ داشتن $t=1/96$ ، $d^2=0/05$ و $p=0/5$ ، 385 نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از طرح نمونه‌گیری طبقه‌بندی (از بین دانشکده‌های مختلف دانشگاه) استفاده شد. از کل نمونه آماری 298 نفر (173 نفر مرد و 125 نفر زن) در مقطع کارشناسی و 87 نفر (63 نفر مرد و 24 نفر زن) در مقطع کارشناسی ارشد بودند.

به‌علاوه، برای بررسی کانون‌های فرهنگی دانشگاه، اسانامه و مرامنامه این کانون‌ها و فعالیت‌های انجام شده توسط آن‌ها را از بدو تأسیس تاکنون مورد مطالعه و تحلیل محتوا قرار دادیم. همچنین مصاحبه با تعدادی از فعالان اصلی کانون‌ها، مطالعه بیانیه‌ها و نشریات دانشجویی، و تجربه زیسته و مشاهده همراه با مشارکت چندین ساله محقق در دانشگاه امیرکبیر (به‌عنوان دانشجو و کارشناس فرهنگی) مکمل روش تحقیق این مطالعه بوده است. برای کشف احتمالی تنوع و گونه‌های مختلف زیست‌جهان‌های دانشجویان از تحلیل عامل گویه‌های مربوط به چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان استفاده کردیم. در

این تحلیل عامل، برای ضریب KMO، مقدار 0/84 به دست آمد که نشان از آن دارد که حجم نمونه برای تحلیل مناسب بوده است. همچنین سطح معنی داری آزمون بارتلت (Sig.=0/000) نشان می دهد که بین گویه های مختلف همبستگی وجود دارد و لذا می توان آن ها را تحلیل عامل کرد. با انجام تحلیل عامل، دو عامل به دست آمد که در مجموع 25/7 درصد از واریانس مجموع گویه ها را پوشش می دهد (عامل اول 14/1 درصد و عامل دوم 11/6 درصد).

جدول شماره 2 گویه های مربوط به هر یک از این عامل ها و ضریب همبستگی هر یک از آن ها با عامل مورد نظر را نشان می دهد:

جدول شماره 2: عامل های ساخته شده در فرآیند تحلیل عامل و همبستگی گویه ها با آن ها

ضریب همبستگی گویه با عامل 2	عامل 2 (آلفا=0/81)	ضریب همبستگی گویه با عامل 1	عامل 1 (آلفا=0/89)
0/59	طرح مباحث ادبی هنری در گفتگوهای دوستانه	0/82	شرکت در نماز جماعت
0/55	مطالعه کتب ادبی معاصر ایران	0/81	شرکت در ادعیه در مسجد
0/45	مشاهده برنامه های اجتماعی صدا و سیما	0/71	شرکت در نماز جمعه
0/50	مطالعه کتب تاریخی ایران	0/70	شرکت در مراسم عزاداری یا جشن های مذهبی
0/49	شرکت در کنسرت های موسیقی	0/65	استفاده از برنامه های مذهبی رادیو و تلویزیون
0/48	پیگیری اخبار و تحلیل های صدا و سیما	0/64	گوش دادن به موسیقی با مضامین مذهبی
0/48	رفتن به تئاتر	0/60	مراجعه به سایت های مذهبی اینترنت
0/47	مطالعه کتب تاریخ و فلسفه غرب	0/58	رفتن به زیارت اماکن مذهبی
0/46	طرح مباحث سیاسی و اجتماعی در گفتگوها	0/54	مطالعه کتب تاریخی - فلسفی اسلامی
0/45	مطالعه کتب ادبیات کلاسیک ایران	0/53	ارتباط با بسیج دانشجویی
0/43	مطالعه کتب روانشناسی و جامعه شناسی	0/48	ارتباط با نهاد نمایندگی رهبری

ادامه جدول شماره 2

ضریب همبستگی گویه با عامل 2	عامل 2 ($\alpha=0/81$)	ضریب همبستگی گویه با عامل 1	عامل 1 ($\alpha=0/89$)
0/41	مطالعه روزنامه شرق و آفتاب یزد	0/44	طرح مباحث مذهبی در گفتگوهای دوستانه
0/42	طرح مباحث برون دینی در گفتگوهای دوستانه	-0/46	گوش دادن به موسیقی خارجی
0/41	ارتباط با گروه‌های ورزشی	-0/41	استفاده از برنامه‌های ماهواره
0/40	مطالعه ادبیات غرب	-0/39	رفتن به کافی شاپ
0/40	گوش دادن به رادیوهای خارجی	-0/33	گوش دادن به موسیقی پاپ ایرانیان خارج از کشور
0/38	طرح مباحث علمی در گفتگوهای دوستانه		
0/38	رفتن به سینما		
0/35	گوش دادن به موسیقی پاپ خوانندگان داخل کشور		
0/31	گوش دادن به موسیقی سنتی		
0/35	رفتن به کافی شاپ		
0/30	مشاهده برنامه‌های ورزشی تفریحی صداوسیما		
0/30	مشاهده برنامه‌های علمی صداوسیما		
0/59	مطالعه ادبیات غرب		

محاسبه ضریب آلفای مربوط به هر یک از این عامل‌ها ($0/89=$ ضریب آلفای عامل 1 و $0/81=$ ضریب آلفای عامل 2) نشان از آن دارد که می‌توان مولفه‌های هر یک از این عامل‌ها را با هم ترکیب کرد و دو عامل مجزا از هم را ساخت. همان‌گونه که از جدول بالا مشخص است، عامل 1 با مولفه‌های «شرکت در نماز جماعت»، «شرکت در مراسم دینی»، «شرکت در نماز جمعه»، «شرکت در مراسم عزاداری یا جشن‌های مذهبی»، «استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه‌ها»، «گوش دادن به موسیقی با مضامین مذهبی» رابطه مستقیم و قوی دارد، و با مولفه‌های «رفتن به زیارت اماکن مذهبی»، «مطالعه کتب تاریخی - فلسفی اسلامی» و «ارتباط با نهادهایی مانند بسیج دانشجویی و نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه»

رابطه مستقیم و متوسط دارد، و با مولفه‌های «گوش دادن به موسیقی خارجی»، «استفاده از برنامه‌های ماهواره»، «رفتن به کافی‌شاپ»، «گوش دادن به موسیقی پاپ ایرانیان خارج از کشور» رابطه معکوس و متوسط دارد. مروری بر مولفه‌های مرتبط با عامل 1 نشان دهنده این است که تقریباً همگی این مولفه‌ها با رفتارهای مذهبی دانشجویان (بیش تر رفتارهای مذهبی اجتماعی و کم تر رفتارهای مذهبی فردی) مرتبط است. به عبارت دیگر، گویه‌های مرتبط با عامل اول عمدتاً از جنس مذهبی (ترکیبی از نوع سنتی و انقلابی) است.¹ بنابراین این عامل را زیست جهان اصول‌گرایی انقلابی می‌نامیم.

عامل 2 با مولفه‌های «گپ و گفتگو درباره مباحث ادبی و هنری»، «مطالعه کتب ادبی و تاریخ ایران» و «مشاهده برنامه‌های اجتماعی و تفریحی رادیو و تلویزیون»، «شرکت در کنسرت‌های موسیقی»، «پیگیری اخبار و تحلیل‌های صداوسیما»، «رفتن به تئاتر»، «مطالعه کتب تاریخ و فلسفه غرب»، «طرح مباحث سیاسی و اجتماعی در گفتگوها»، «مطالعه روزنامه شرق و آفتاب یزد»، «مطالعه کتب روانشناسی و جامعه‌شناسی»، «طرح مباحث برون‌دینی در گفتگوهای دوستانه»، «ارتباط با گروه‌های ورزشی»، «گوش دادن به موسیقی پاپ خوانندگان داخل کشور»، «گوش دادن به رادیوهای خارجی»، «رفتن به سینما»، «مطالعه ادبیات غرب» و ... رابطه مستقیم و متوسط دارد. مروری بر مولفه‌های مرتبط با این عامل نشان دهنده این است که این مولفه‌ها طیف وسیعی از رفتارهای دانشجویان را در بر دارد ولی دربردارنده هیچ یک از رفتارهای فردی یا اجتماعی مذهبی دانشجویان نیست. بنابراین این عامل را زیست جهان عرفی می‌نامیم. لازم به ذکر است که هر چند در ایران برخی از صاحب‌نظران مفهوم عرفی شدن را در ترجمه سکولار شدن به کار می‌برند، اما در این مقاله مفهوم «عرفی شدن» را معادل «سکولار شدن» به کار نبرده‌ایم.² با توجه به

1. سراج زاده و جواهری (1380) در مقوله‌بندی انواع دینداری دانشجویان، دینداری انقلابی و دینداری سنتی را دو تا از انواع دینداری محسوب کرده‌اند. ولی به نظر می‌رسد بعد از انقلاب اسلامی در ایران دینداری سنتی و انقلابی عملاً به هم پیوند خورد و در هم تنیده شد به طوری که به سختی می‌توان این دو نوع دینداری را از هم تفکیک کرد.

2. برای مطالعه بیشتر در مورد معانی «سکولار شدن» و «لائسیته» مراجعه کنید به شاینر (1383) و گی آرشه (1385). همچنین در مورد نظریه‌های مختلف سکولار شدن مراجعه کنید به همیلتون (1381). همچنین برای نقد کاربرد مفهوم سکولار شدن در کشورها و فرهنگ‌های غیرغربی نگاه کنید به جواچیم متر (1389).

مولفه‌های مرتبط با زیست جهان عرفی، که در بالا برشمرده شده‌اند، می‌توان گفت در این جا مفهوم «عرفی بودن» بیش تر معادل «بی‌ربط بودن¹ با دین» است نه اساساً به معنای «بی-دین بودن» (به توضیحات جدول شماره 4 مراجعه کنید).

تحلیل یافته‌های تحقیق

در جدول شماره 3 میزان ارتباط دانشجویان با هر یک از این زیست جهان‌ها ارائه شده است:

جدول شماره 3: ویژگی‌های زیست جهان‌ها و میزان ارتباط دانشجویان با هر یک از آن‌ها

میزان ارتباط دانشجویان با زیست-جهان‌ها (درصد)			میانگین ارتباط دانشجویان با زیست جهان‌ها (از 0 تا 5)	
زیاد	متوسط	کم یا عدم ارتباط		
8%	36%	56%	1/2	زیست جهان اصولگرایی انقلابی
12%	52%	36%	2/5	زیست جهان عرفی

مطابق این جدول 56 درصد دانشجویان با زیست جهان اصولگرایی انقلابی یا ارتباط ندارند یا کم ارتباط دارند، 36 درصد به میزان متوسط و 8 درصد دانشجویان به میزان زیاد با این زیست جهان ارتباط دارند، به طوری که میانگین ارتباط دانشجویان با این زیست جهان 1/2 (از میانگین 0-5) است. همچنین 36 درصد دانشجویان با زیست جهان عرفی یا ارتباط ندارند یا ارتباط کمی دارند، 52 درصد دانشجویان با این زیست جهان ارتباط در حد متوسط و 12 درصد ارتباط در حد زیاد دارند؛ به طوری که میانگین ارتباط دانشجویان با این زیست جهان 2/5 (از میانگین 0-5) است. بررسی آماره‌های مربوط به ارتباط این دو زیست جهان، ارتباط این دو زیست جهان را تأیید نمی‌کند.

در بررسی برخی از باورها و گرایش‌های دانشجویان مرتبط با هر یک از این دو زیست جهان، از جمله باور دینی، گرایش به دین خصوصی، گرایش به گزینش‌گری در دین، و گرایش به تکثرگرایی در دین، مشخص شد که بین میزان ارتباط دانشجویان با زیست جهان عرفی و باورهای دینی آن‌ها رابطه‌ای وجود ندارد. این عدم ارتباط مؤید این نظر است که متعلق بودن به زیست جهان عرفی اصلاً به معنای عدم اعتقاد به باورهای دینی

1. irrelevance

نیست. با این حال، بین ارتباط دانشجویان با زیست جهان اصولگرایی انقلابی با باور دینی آن‌ها رابطه مثبت وجود دارد ($\text{Sig}=0/000$ و $\text{گاما}=0/67$). این بدان معنا است که دانشجویانی که با زیست جهان اصولگرایی انقلابی ارتباط دارند با احتمال بیش تری باور دینی قوی تری دارند.

آماره‌های مربوط به ارتباط گرایش‌های دینی دانشجویان با میزان ارتباط آن‌ها به زیست جهان عرفی ($\text{Sig } 0 < 0/05$ و علامت مثبت گاما) نشان می‌دهد که ارتباط دانشجویان با زیست جهان عرفی باعث می‌شود که گرایش آن‌ها به دین خصوصی، گزینش‌گری در دین، و تکثرگرایی در دین افزایش یابد و این در حالی است که ارتباط دانشجویان با زیست جهان اصولگرایی انقلابی باعث می‌شود گرایش آن‌ها به دین خصوصی، گزینش‌گری در دین، و تکثرگرایی در دین کم شود ($\text{Sig}=0/000$ و علامت منفی گاما) (جدول شماره 4).

جدول شماره 4: رابطه دو زیست جهان با متغیرهای مربوط به دینداری

زیست جهان عرفی	زیست جهان اصولگرایی انقلابی	باور دینی
عدم تأیید ارتباط	$\text{گاما}=0/67$ ($\text{Sig}=0/000$)	
	$\text{گاما}=-0/68$ ($\text{Sig}=0/000$)	گرایش به دین خصوصی
	$\text{گاما}=-0/75$ ($\text{Sig}=0/000$)	گرایش به گزینش‌گری در دین
	$\text{گاما}=-0/72$ ($\text{Sig}=0/000$)	گرایش به تکثرگرایی در دین

به عبارت دیگر، تفاوت زیست جهان اصولگرایی انقلابی و زیست جهان عرفی نه در میزان باورهای دینی و حتی دینداری¹ دانشجویان مرتبط با هر یک از دو زیست جهان، بلکه در گرایش‌های متفاوت آن‌ها به دین خصوصی یا گزینش‌گری و تکثرگرایی در دین

1. نتایج همین پژوهش نشان می‌دهد که باور دینی دانشجویان را می‌توان در حد بالایی ارزیابی کرد (میانگین 3/1 از 4) به طوری که نیمی از دانشجویان (49/5 درصد) دارای باور دینی ضعیف، 44/8 درصد دارای باور دینی متوسط و تنها 5/7 درصد دارای باور دینی ضعیف یا منکر باور دینی خود هستند. پایبندی دانشجویان به اعمال فردی دینی نیز در حد متوسط ارزیابی می‌شود (میانگین 1/92 از 4). به عبارت دیگر، 37/9 درصد در حد متوسط و 32/7 درصد در حد زیاد اعمال فردی دینی را به جا می‌آورند (توسلی و مرشدی 1386).

است. به عبارت دیگر، دانشجویان متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی تفسیری اجتماعی تر از دین ارائه می کنند و بیش تر، دین را نظام جامعی می دانند که تنها راه رسیدن به حقیقت است و کم تر حق گزینش گری در آن وجود دارد. این در حالی است که دانشجویان متعلق به زیست جهان عرفی تفسیری خصوصی تر و شخصی تر از دین ارائه می کنند و بنابراین کم تر به انحصار حقیقت در یک دین خاص باور دارند و بیش تر از دانشجویان متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی، برای خود حق گزینش گری در دین قائل هستند. بنابراین، مطابق یافته های پیمایشی این تحقیق می توان این دعوی را طرح کرد که به طور ضمنی دو زیست جهان در بین دانشجویان وجود دارد که نقطه افتراق این دو زیست جهان نه میزان باور دینی دانشجویان و نه حتی میزان دینداری آن ها، بلکه نوع دینداری آن ها و به عبارت دقیق تر، میزان گرایش آن ها به دین خصوصی و گزینش گری و تکثرگرایی در دین و رفتارها و کردارهای متناسب با این گرایش ها است.

متناظر با گستره این دو زیست جهان در بین عموم دانشجویان، می توان در سطح شکل های دانشجویی، به ویژه کانون های فرهنگی و هنری، نیز این دو زیست جهان را تشخیص داد. با مرور عناوین، اساسنامه ها، رویکردها و برنامه های شکل های دانشجویی در دانشگاه امیرکبیر می توان دو دسته شکل ها و کانون های دانشجویی را از هم تفکیک کرد: یک دسته از شکل ها و کانون های دانشجویی که به نوعی تجلی زیست جهان اصولگرایی انقلابی در محیط دانشجویی دانشگاه هستند و این زیست جهان را نمایندگی می کنند، و دسته دیگر شکل ها و کانون های دانشجویی که به نوعی تجلی زیست جهان عرفی در محیط دانشجویی دانشگاه هستند و این زیست جهان را نمایندگی می کنند. در ادامه، این دو زیست جهان را در سطح شکل های دانشجویی بررسی می کنیم و به تشریح ویژگی ها و وضعیت آن ها در دانشگاه می پردازیم.

در دانشگاه ها، از جمله در دانشگاه امیرکبیر، علاوه بر انجمن اسلامی دانشجویان (که سابقه آن به سال های قبل از انقلاب اسلامی برمی گردد) و بسیج دانشجویی (که سابقه آن به اواخر سال های دهه 60 برمی گردد)، در طول دهه 70 و 80 شاهد شکل گیری تعداد زیادی از شکل ها و کانون های فرهنگی و هنری و صنفی و علمی بودیم. از جمله، در نیمه اول دهه 70 شوراهای صنفی دانشجویی از انجمن اسلامی دانشجویان تفکیک شدند و وظایف پیگیری حقوق صنفی دانشجویان و فعالیت های تفریحی و فوق برنامه بر عهده شوراهای

صنفي قرار گرفت. از همان اوایل دهه 70، شکل‌گیری تعدادی از کانون‌های فرهنگی و هنری نیز در دانشگاه‌ها آغاز شد؛ به طوری که در دانشگاه امیرکبیر، کانون فیلم و عکس در سال 68، کانون تئاتر در سال 69، کانون ادبی در سال 72، کانون موسیقی در سال 73، کانون‌های اندیشه دانشجوی مسلمان، کتاب و کتابخوانی، و قرآن و عترت در سال 77، کانون‌های ایرانشناسی، گفتگو (ی تمدن‌ها)، انتظار، و کانون مطالعات و تحقیقات فرهنگی در سال 79، و کانون هنرهای تجسمی در سال 81 شکل گرفت. در سال 1377 آیین‌نامه کانون‌های فرهنگی و هنری دانشگاه‌ها از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین و به همه دانشگاه‌ها ابلاغ شد و بنابراین، همه کانون‌های دانشجویی که تا پیش از این به صورت پراکنده در زمینه‌های فرهنگی و هنری در دانشگاه فعالیت می‌کردند، به‌عنوان زیرمجموعه کانون‌های فرهنگی و هنری در دانشگاه‌ها تعریف شدند و مورد حمایت جدی‌تر دانشگاه‌ها و وزارت علوم قرار گرفتند. همچنین برای هماهنگی بیش‌تر بین کانون‌های فرهنگی و هنری دانشگاه‌های سراسر کشور، مجموعه‌ای با عنوان "مجامع کانون‌های فرهنگی و هنری" با حمایت وزارت علوم شکل گرفت. به‌علاوه، دو همایش سراسری کانون‌های فرهنگی و هنری در سال‌های 87 و 83 از سوی وزارت علوم برگزار شد. در دانشگاه امیرکبیر، که از یکی از منسجم‌ترین و فعال‌ترین مجموعه کانون‌های فرهنگی و هنری برخوردار بود، همه کانون‌های فرهنگی و هنری در یک ساختمان مستقر شدند و با حمایت اداره کل فرهنگی دانشگاه، فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود در دانشگاه را افزایش دادند و به‌صورت خیلی فعالی در عرصه درون دانشگاهی و حتی بین دانشگاهی ظاهر شدند، که البته فعالیت این کانون‌ها با توجه به مخالفت‌ها و اعتراض‌هایی که علیه آن‌ها شکل گرفته بود، تا سال 1384 رو به کاهش نهاد و با تغییر مدیریت فرهنگی دانشگاه‌ها از سال 84 به بعد، ادامه فعالیت برخی از کانون‌های فرهنگی و هنری با مشکل مواجه شد. در این مقاله، تحلیل خود را به مقطع زمانی قبل از سال 1384 محدود کرده‌ایم، چرا که با توجه به تغییرات گسترده در رویکردهای دانشگاه‌ها در زمینه فعالیت‌های دانشجویی از سال 84 به بعد و، بالتبع، تغییرات زیاد در وضعیت کانون‌ها و تشکل‌های دانشجویی، پرداختن به مقطع زمانی 84 به بعد به مجال دیگری نیاز دارد.

در مجموع، در دانشگاه امیرکبیر تشکل‌های دانشجویی فعال عبارتند از انجمن اسلامی دانشجویان، شوراهای صنفی دانشکده‌ها، بسیج دانشجویی، و کانون اندیشه دانشجویی

مسلمان (این کانون یکی از تشکل‌های دانشجویی خاص دانشگاه امیرکبیر است که مطابق آیین‌نامه تشکل‌های اسلامی در دانشگاه‌ها به وجود آمده است)؛ و کانون‌های فرهنگی و هنری فعال عبارتند از تئاتر، ادبی، موسیقی، قرآن، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، کتاب و کتابخوانی، فیلم و عکس، گفتگو، انتظار، ایران‌شناسی و هنرهای تجسمی.

زیست جهان اصولگرایی انقلابی

در سطح تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی، با توجه به رویکردها و برنامه‌های تشکل‌ها و رویکردهای آن‌ها، می‌توان بسیج دانشجویی، کانون اندیشه دانشجویی مسلمان، و کانون انتظار را به عنوان مهم‌ترین تشکل‌ها و کانون‌های متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی به شمار آورد.

بسیج دانشجویی که دعوی حفظ روحیه انقلابی در دانشگاه و دفاع از دستاوردها و ارزش‌های انقلاب و دوران دفاع مقدس را بر عهده دارد، با برگزاری سالانه مراسم بزرگداشت "هفته دفاع مقدس" و برپایی نمایشگاه و پخش فیلم‌ها و آهنگ‌های حماسی و مذهبی در این زمینه، همچنین نصب تصاویر شهدا و جبهه‌های جنگ عراق علیه ایران در مکان‌های عمومی دانشگاه، و به‌ویژه برگزاری اردوی هر ساله بازدید از مناطق جنگی، این وظیفه را دنبال می‌کند. در دفتر بسیج دانشجویی، عکس‌ها و جملاتی از امام خمینی و رهبر جمهوری اسلامی و نیز عکس‌ها و جملاتی از شهید آوینی، شهید چمران و دیگر شهدای جنگ تحمیلی به وفور دیده می‌شود. در سال‌های اخیر، با مطرح شدن مبحث «چشم‌انداز 1404 ایران» و «جنبش نرم‌افزاری تولید علم» در کشور، بسیج دانشجویی بخش قابل توجهی از توجه و توان خود را معطوف به این مباحث کرده است¹ و در این زمینه، برگزاری چند همایش در موضوعات علم، تکنولوژی، نانو تکنولوژی، برگزاری بازدیدهای

1. بعد از تجمع‌های اعتراض‌آمیز دانشجویی به حضور بسیج در دانشگاه در تاریخ 84/3/10، در بیانیه مورخ 84/3/11 بسیج دانشجویی دانشگاه امیرکبیر آمده است: "شان بسیج دانشجویی بسیار والاتر از آن است که در مسائلی مانند اختلافات داخلی تشکل‌ها اعمال نظر کند. بسیج دانشجویی رویکرد تحقق چشم‌انداز 20 ساله را وجهه همت خود ساخته است و به این مسائل پیش پا افتاده توجهی نمی‌کند. در این مسیر مقدس و عظیم از همه فرهیختگان و دانشگاهیان دلسوز دعوت می‌کنیم تا با پیوستن به روند تولید علم و جنبش نرم‌افزاری و تحقق عدالت اجتماعی، چشم‌انداز روشن ایرانیان را برای نسل آینده عملی سازیم."

علمی-صنعتی و ... را در دستور کار خود قرار داده است.¹

کانون انتظار در سال 79 پس از بازگشت تعدادی از دانشجویان از حج عمره دانشجویی و به قصد حفظ "حال و هوا" و دوستی‌های شکل گرفته در سفر حج، با نام کانون حج و زیارت تأسیس شد که بعداً به کانون انتظار تغییر نام داد. مطابق اساسنامه این کانون، «ارتقاء بینش فکری-مذهبی دانشجویان» و «ترویج مبانی فکری اسلام ناب محمدی» دو هدف اصلی این کانون را تشکیل می‌دهند. برای این منظور، این کانون سالانه چندین اردوی دانشجویی را به مقصد قم و جمران (هر بار حدود 40 تا 80 نفر) و مشهد (هر بار حدود 110 نفر) و کربلا و نجف (هر بار حدود 40 نفر) برگزار کرده است. همچنین جزوات آموزشی را برای برای زائرین عمره دانشجویی تهیه و منتشر می‌کند. این کانون حدود 10 شماره نشریه «تا ظهور» را در سطح دانشگاه توزیع کرده است و سخنرانی‌هایی با عناوین دینداری در دنیای کنونی، مباحث کلامی توحید و عصمت، مهدویت و امام زمان (عج)، تاریخ اسلام، حقانیت شیعه و سنی و ... را برگزار کرده است. در دفتر این کانون، جملاتی در مورد انتظار فرج و مهدویت و احادیثی از امامان معصوم (ع)، بر دیوارها نصب است.

کانون اندیشه دانشجوی مسلمان در بهار 77 در چارچوب مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نه در چارچوب کانون‌های فرهنگی و هنری، شکل گرفت. مطابق اساسنامه این کانون، «تبیین و ترویج مبانی فکری اسلام ناب محمدی (ص) با محور قرار دادن اندیشه رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)» و «ایجاد فضای فکری سالم جهت طرح شفاف اندیشه‌های گوناگون و تضارب آراء» دو مورد از اصلی‌ترین اهداف این کانون را تشکیل می‌دهند. آنگونه که از اهداف این کانون آشکار است، محور مباحث مورد نظر این کانون بحث‌های دینی، سیاسی، فلسفی و فرهنگی است که ذیل اندیشه‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و اهداف و راهبردهای جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. این کانون در چندین سال فعالیت خود، برنامه‌های گسترده‌ای از جمله انتشار دو نشریه، اردوهای دانشجویی به مقصد مشهد و قم، همایش‌های سالانه، سیر مطالعاتی آثار اندیشمندان اسلامی و بررسی و نقد آراء متفکران مختلف، پخش و نقد فیلم، سخنرانی و مناظره، بیانیه، و ... را در سطح دانشگاه ترتیب داده است. عناوین مهم فعالیت‌های انجام

1. با این اهداف، بسیج دانشجویی حتی اقدام به تأسیس بسیج علمی در برخی از دانشکده‌ها از جمله دانشکده معدن، پلیمر و عمران دانشگاه امیرکبیر کرده است.

شده توسط این کانون در سال‌های مختلف عبارتند از: انتشار حدود 15 شماره نشریه «اندیشه» و 30 شماره نشریه «آینه»؛ برگزاری 5 همایش دو روزه با موضوعات: 1. بررسی جایگاه نظری و عملی مجلس خبرگان رهبری؛ 2. امام خمینی؛ عدالت اجتماعی و اقتصاد اسلامی؛ 3. بررسی ابعاد فساد مالی در حاکمیت؛ 4. اسلام، غرب، جامعه امروز؛ 5. جهانی شدن فرهنگی: بیم‌ها و امیدها. سخنرانی‌هایی با عناوین: اقدامات لازم برای ورود به تفسیر قرآن/ نهج البلاغه/ صهیونیسم/ فلسفه علم/ فرهنگ رسانه‌ها/ سیر مطالعاتی آثار مطهری و شریعتی/ نشست تهران؛ آغاز یا پایان بحران/ دین و سیاست/ سیره حضرت علی (ع)/ احزاب سیاسی ایران/ «صراط» (بررسی آثار علی صفائی حائری)/ گفتمان سکولاریسم و حکومت دینی/ عقل و دین/ جایگاه و منزلت زن در اسلام/ دین و دموکراسی/ آینده انقلاب ایران/ جنگ تحمیلی؛ علل پیدایش و تداوم/ غرب، مسیحیت، شکاکیت/ انتظار بشر از دین/ بررسی نظر عبدالکریم سروش درباره «انسان کامل»/ خراشی بر آسمان معرفت (بررسی و نقد اشکال‌های قرن حاضر پیرامون خداشناسی)/ تحلیل انتخابات مجلس هفتم/ مسأله فلسطین/ آشنایی با اندیشه تشیع (مروری بر کتاب اصول کافی)/ سلسله جلسات «تحلیل مبانی و چالش‌های توسعه در ایران»/ نقد شعارها و بررسی چالش‌های فراروی مجلس هفتم؛ آرمانگرایی یا منفعت طلبی/ سینمای دینی؛ نمایش فیلم‌های رنگ خدا/ ده فرمان/ محاصره/ آژانس شیشه‌ای/ مصائب مسیح/ پسر مریم. بیانیه در اعتراض به «اهانت به امام زمان (عج)» در نشریه «موج» (آبان 78)/ بیانیه در اعتراض به فضای فرهنگی دانشگاه و ضعف عملکرد نهادهای متولی فرهنگ در دانشگاه (یعنی انجمن اسلامی، نهاد نمایندگی و بسیج دانشجویی)/ بیانیه در اعتراض به بروز «یک فاجعه فرهنگی - دینی» در عرصه دانشگاه/ بیانیه و خیر مقدم به مناسبت دیدار مقام رهبری از دانشگاه امیرکبیر/ بیانیه در اعتراض به «فساد مالی در حاکمیت»/ بیانیه تحلیلی پیرامون مسأله فلسطین و لزوم بیداری کشورهای اسلامی در قبال آن/ نامه سرگشاده به رئیس‌جمهور در اعتراض به طرح پذیرش دانشجویان نوبت دوم/ نامه خطاب به ریاست دانشگاه در اعتراض به طرح «دانشجویان نوبت دوم»/ جزوه تحلیلی «آینده جهان؛ گفتگو یا برخورد تمدن‌ها» و مهدویت در اسلام/ جزوه تحلیلی «نگرشی بر آزادی» با شرح آراء اندیشمندان مسلمان در باب آزادی/ جزوه تحلیلی «اسلام ناب در کلام امام خمینی»/ ویژه‌نامه انرژی هسته‌ای با نام «یک تصمیم، یک سرنوشت».

این کانون دارای یک کتابخانه با حدود 2000 جلد کتاب نیز هست که بخش قابل توجهی از کتاب‌ها در زمینه مباحث فلسفه و اندیشه اسلامی و کلامی، آثار امام خمینی، شهید مطهری، شهید بهشتی و دیگر اندیشمندان اسلامی است. بر دیوارهای دفتر این کانون نیز عکس‌هایی از امام خمینی و رهبر انقلاب، شهدای جنگ تحمیلی مانند شهید چمران و شهید آوینی و دیگر شهدا، و نیز عکس شهید مطهری و شهید بهشتی و شهید صدر و همچنین جمالاتی از بزرگان دین و ... نصب شده است.

علیرغم تفاوت‌هایی که تشکل‌ها و کانون‌های متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی با یکدیگر دارند، بسیاری از اعضای آن‌ها با هم دوست هستند و تعامل دارند و حتی برخی افراد با هر سه این تشکل‌ها و کانون‌ها در ارتباط هستند. هر چند به دلیل ماهیت متفاوت بسیج دانشجویی با کانون‌های اندیشه دانشجوی مسلمان و انتظار، رابطه طرفین همراه با انتقادات و گاه تقابل‌هایی نیز همراه است. به‌عنوان مثال، برخی از اعضای مؤسس کانون اندیشه دانشجوی مسلمان سابقاً از اعضای بسیج دانشجویی بودند که چون بر عملکرد بسیج دانشجویی انتقاد داشتند و بسیج را بیش از اندازه عملیاتی می‌دانستند، اقدام به تأسیس کانون اندیشه کردند. با این حال، با مرور اساسنامه و برنامه‌های تشکل‌های دانشجویی متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی و رفتارها و کردارهای اعضای این تشکل‌ها، می‌توان نقاط اشتراک بسیاری را در بین آن‌ها یافت. تعلق خاطر آن‌ها به انقلاب اسلامی و پابندی آن‌ها به نظام جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌ها و اهداف آن از پررنگ‌ترین ویژگی‌های آن‌ها است، به‌طوری که از اهداف مشترک همه آن‌ها «ترویج مبانی فکری اسلام ناب محمدی با محور قرار دادن اندیشه رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی» است و دو همایش سالانه کانون اندیشه با نام‌های «بررسی جایگاه نظری و عملی مجلس خبرگان رهبری» و «امام خمینی؛ عدالت اجتماعی و اقتصاد اسلامی» ربط وثیقی با جمهوری اسلامی و مسائل آن دارد. سیر مطالعاتی آثار شهید مطهری یکی از برنامه‌های ثابت کانون اندیشه، و اخیراً، بسیج دانشجویی است.

اعضای متعلق به این زیست جهان عمدتاً تفسیری فقاهتی و مبتنی بر شریعت از ارزش‌های اسلامی دارند به‌طوری که همه این تشکل‌ها با نهاد روحانیت در ارتباط هستند و در برنامه‌های خود از روحانیون نیز دعوت می‌کنند. تقریباً تمام اعضای خانم این سه تشکل

دارای پوشش چادر هستند و اعضای پسر این سه مجموعه نیز، با معیار هنجارهای رسمی جامعه، دارای ظاهر و پوششی اسلامی هستند (دارای محاسن، پیراهن آستین بلند و ...). مهم تر اینکه فضای اختصاص یافته به خانم ها و آقایان در هر سه این تشکل ها از هم منفک است به طوری که در بسیج دانشجویی و کانون اندیشه دانشجوی مسلمان، واحد خواهران از واحد برادران جداست و کانون انتظار نیز که تنها دارای یک دفتر مرکزی است، ساعات حضور خانم ها و آقایان از هم تفکیک شده است. همچنین تقریباً همه اعضای این تشکل ها و کانون ها با مسجد دانشگاه ارتباط زیادی دارند و تا حد زیادی ملزم به حضور در نمازهای جماعت مسجد دانشگاه هستند.

این تشکل ها همچنین ورود آشکاری در مسائل اجتماعی و سیاسی دارند. اما همان گونه که گفته شد، تعلق خاطر این تشکل ها به نظام جمهوری اسلامی باعث شده است که ارزش ها و آرمان ها و سیاست های کلی جمهوری اسلامی سایه پررنگی بر رویکردهای اجتماعی و سیاسی این تشکل ها داشته باشد. می توان مهم ترین ویژگی این دو تشکل را در حوزه اجتماعی، عدالت اجتماعی و در حوزه سیاسی، مخالفت با غربگرایی و به ویژه امریکاستیزی دانست. به عنوان مثال، کانون اندیشه دانشجوی مسلمان، در راستای دغدغه عدالت، مخالفت های جدی با طرح «دانشجوی نوبت دوم» را ترتیب داد. همچنین بسیاری از برنامه های این کانون حول محور نقد مکاتب و ارزش های غربی از جمله لیبرالیسم، سکولاریسم، آزادی غربی، حمایت غرب و امریکا از اسرائیل و ... است.

در زمینه ذائقه هنری و موسیقایی، همان گونه که از فیلم های نمایش داده شده توسط کانون اندیشه دانشجوی مسلمان آشکار می شود، فیلم های با مضامین ارزشی و دینی و معنویت گرایانه و نیز فیلم هایی با موضوع آخرالزمان مورد علاقه افراد این تشکل ها است. همچنین در زمینه موسیقی، همان گونه که از بخش پیمایش این تحقیق نیز مشخص شد، موسیقی خارجی و موسیقی پاپ ایرانیان خارج از کشور (موسیقی لس آنجلسی) در بین افراد این تشکل ها کم تر جایگاهی دارد یا اصلاً ندارد، اما موسیقی سنتی و پاپ داخلی پذیرش بیش تری دارد.

همان گونه که از مولفه های مرتبط با عامل زیست جهان اصولگرایی انقلابی (در بخش پیمایش این مقاله) مشخص شد، مسجد دانشگاه نقش محوری برای زیست جهان

اصولگرایی انقلابی ایفا می‌کند و اصلی‌ترین کانون الهام‌بخش برای این زیست جهان است، به طوری که معمولاً نمازهای ظهر و عصر در مسجد دانشگاه با جمعیت زیادی (به طوری که اغلب روزها مسجد پر از جمعیت می‌شود)، و نماز مغرب و عشاء با تعداد محدودتری، برگزار می‌شود. مسجد دانشگاه امیرکبیر در مرکز دانشگاه و روبروی سلف غذاخوری دانشجویان قرار گرفته است، به طوری که با توجه به فضای محدود دانشگاه امیرکبیر، مسجد در مسیر رفت و آمد و در معرض دید دانشجویان قرار دارد، به ویژه این که در سال‌های اخیر بخش‌هایی به ساختمان مسجد اضافه شده است و کالبد بیرونی مسجد تعمیر و تزیین شده است. همچنین اذان ظهر و مغرب که از بلندگوهای مسجد در فضای دانشگاه پخش می‌شود، بخش قابل توجهی از فضای دانشگاه را پوشش می‌دهد. به علاوه، فضای داخلی مسجد نیز در سال‌های اخیر تعمیر، تزیین و تجهیز شده است.

تولیت مسجد بر عهده نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه است و این نهاد که رسالت حفظ فضای دینی و معنوی دانشگاه و دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی را بر عهده دارد، مسجد دانشگاه را مهم‌ترین مکان برای رسیدن به این مقصود برگزیده است. این نهاد علاوه بر فراهم کردن تمهیدات برگزاری نمازهای جماعت در دانشگاه، با دعوت از سخنرانان و روحانیون برجسته مختلف در مسجد در ایام سال، به ویژه در اعیاد و مناسبت‌های ویژه مذهبی و انقلابی مانند ماه‌های رمضان، محرم و صفر، و ایام میلاد و شهادت ائمه (ع)، و نیز برگزاری مراسم احیاء و اعتکاف و مراسم مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی و ...، نقش برجسته‌ای به مسجد دانشگاه بخشیده است. نهاد نمایندگی علاوه بر برگزاری برنامه‌ها و مراسم مذهبی در مسجد دانشگاه، از طریق برگزاری اردوهای زیارتی-سیاحتی، انجام تبلیغات مذهبی از طریق نصب پارچه‌نوشته‌ها، پلاکاردها و ... در سطح دانشگاه، و حمایت معنوی از کانون‌ها و گروه‌های دانشجویی مذهبی، در جهت حمایت و تقویت زیست جهان اصولگرایی انقلابی عمل می‌کند. البته نماینده ولی فقیه در دانشگاه با حضور در شورای فرهنگی دانشگاه، به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در امور فرهنگی دانشگاه، نقش زیادی در حمایت مدیریت دانشگاه و به ویژه مدیریت فرهنگی دانشگاه از این زیست جهان دارد.

البته کانون قرآن و عترت و کانون مطالعات و تحقیقات فرهنگی نیز در دانشگاه امیرکبیر در

سال‌های متمادی حضور نسبتاً فعالی داشته‌اند. این دو کانون هر چند نقاط اشتراکی با زیست جهان اصولگرایی انقلابی دارند اما نمی‌توان آن‌ها را ذیل زیست جهان اصولگرایی انقلابی جای داد. هر چند اعضای این دو کانون با اعضای کانون انتظار و به‌ویژه با اعضای کانون اندیشه دانشجوی مسلمان ارتباط دوستانه و نزدیکی دارند، و حتی در مورد برخی مسائل سیاسی و اجتماعی، مواضعی شبیه موضع کانون اندیشه دانشجوی مسلمان دارند، اما در این دو کانون، همان‌گونه که از برنامه‌ها و اهداف آن‌ها آشکار است، بیش‌تر اندیشه‌های جریان روشنفکران دینی مورد توجه است: کانون مطالعات و تحقیقات فرهنگی در سال 1379 و با اهداف «ارتقاء سطح فکری و فرهنگی دانشجویان» و «بررسی و پاسخ به مسائل و مشکلات فکری، فرهنگی و معرفتی مبتلابه دانشجویان» تأسیس شد. این کانون که نام خانوادگی را «عقلانیت، مدنیت و معنویت» می‌داند و «جریان روشنفکری دینی» را دغدغه اصلی خود می‌داند، تا کنون برنامه‌هایی را با موضوعات زیر برگزار کرده است: بررسی تاریخ فلسفه غرب (بر اساس کتاب مصطفی ملکیان) / بررسی ادیان مختلف / مثنوی خوانی / فلسفه علم / تفسیر موضوعی قرآن / اندیشه دینی / اصول فلسفه و منطق / فلسفه اسلامی / زندگی، چرا و چگونه؟ / علم و دین / نقد سیاست‌های هاشمی رفسنجانی / جامعه‌شناسی عرفی شدن / علم و دین / حافظ و ماکیاولی / خدا در قرآن / فلسفه ریاضی / فلسفه تکنولوژی / آینده ایران؛ فدرالیسم یا ... / پلورالیسم دینی / صهیونیزم / فرهنگ و تکنولوژی / هدایت و ضلالت در قرآن / نان و شراب (اینیاتیسیو سیلونه) / مسأله شناخت (مرتضی مطهری) / رندی حافظ / نیچه / علامه اقبال لاهوری / دکتر علی شریعتی / تمدن، فطرت، طبیعت / رابطه انسان و خدا از دیدگاه قرآن و ارائه کتاب‌های فرار از مدرسه (عبدالحسین زرین کوب) / علی (ع) (علی شریعتی) / موج سوم (آلویین تافلر) / حلاج (عبدالحسین زرین کوب) / حدیث بندگی و دلبردگی (عبدالکریم سروش) / علم چیست، فلسفه چیست (عبدالکریم سروش) / چیستی فقه / سنت و تجدید (مصطفی ملکیان) / شمس تبریزی (محمدعلی موحد) / قمار عاشقانه (عبدالکریم سروش) / عقل و اعتقاد دینی (پیتر سول) / رازدانی و روشنفکری و دینداری (عبدالکریم سروش) / دین شناسی معاصر.

کانون قرآن و عترت دانشگاه نیز در سال 1372 با هدف «گسترش فرهنگ قرآنی و معنویت بخشی به فضای علمی و فرهنگی دانشگاه» تأسیس شد و پس از مدتی با توجه به «لزوم پیوند قرآن و مفسران واقعی آن، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت» به کانون قرآن و

عزت تغییر نام داد. این کانون نوارها و CDهای قرآنی را تهیه کرده و در اختیار عموم دانشجویان قرار می‌دهد. برگزاری مراسم انس با قرآن، برگزاری نمایشگاه قرآن شامل نرم افزارهای قرآنی، مجموعه خطوط و تذهیبات قرآنی، مجلات قرآنی و برگزاری مراسم تواشیح و ... به مناسبت اعیاد و ایام اسلامی و تأسیس گروه آل یاسین در دانشگاه از اهم فعالیت‌های این کانون در سال‌های گذشته بوده است. این کانون که رویکردی باز به مباحث و علوم قرآنی دارد، بحث‌ها و گفتگوهای دانشجویی مختلفی را در زمینه مباحث و موضوعات قرآنی برگزار کرده است. در مهم‌ترین اقدام، این کانون با رایزنی‌های گسترده با مؤسسات و نهادهای مختلف در کشور، همایش بزرگی را با عنوان قرآن پژوهی در سال 84 در دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار کرد و از قرآن پژوهان با رویکردهای مختلف (از جمله روشنفکران دینی) در این همایش دعوت کرد.¹

البته انجمن اسلامی دانشجویان را، به عنوان یکی از تشکلهای مهم دانشجویی، به سختی می‌توان ذیل دو زیست جهان مطرح شده در این مقاله جای داد. این تشکل در دهه 70 عمدتاً نمود و تجلی جریان روشنفکری دینی در دانشگاه بود اما در اوایل دهه 80 تغییرات زیادی در اعضای اصلی آن صورت گرفت و رویکرد آن به رویکرد کانون‌های متعلق به زیستجهان عرفی قرابت زیادی یافت.

زیست جهان عرفی

در سطح تشکلهای و کانون‌های دانشجویی، با توجه به رویکردها و برنامه‌های تشکلهای و رویکردهای آنها، می‌توان شورای صنفی دانشجویان و برخی کانون‌های فرهنگی دانشگاه امیرکبیر از جمله کانون گفتگو (ی تمدن‌ها)، کانون کتاب و کتابخوانی، کانون ادبی، و کانون تئاتر و حتی انجمن اسلامی دانشجویان (به ویژه در بازه زمانی 80 تا 84) را مهم‌ترین تشکلهای متعلق به زیستجهان عرفی دانشگاه دانست. البته زیستجهان عرفی خود طیف وسیعی از گرایش‌ها و رویکردها را در بر دارد که نقطه اشتراک آنها در واقع همان نقطه

1. نکته قابل توجه در مورد کانون قرآن دانشگاه اینست که یکی از دانشجویان سنی فعالانه در کنار دیگر دانشجویان شیعه این کانون در حال فعالیت است و در این کانون همانند دیگر کانون‌های فرهنگی دانشگاه دختران و پسران با هم فعالیت می‌کنند (بر خلاف بسیج دانشجویی، کانون اندیشه، نهاد نمایندگی که در آنها واحد خواهران از واحد برادران مجزا است). اتفاقاً همین امر مورد اعتراض برخی افراد متعلق به زیستجهان اصولگرایی انقلابی در دانشگاه قرار گرفته است.

افتراق آن‌ها با رویکرد اصولگرایی انقلابی است. به عبارت دیگر، در همهٔ تشکلهای و کانون‌های متعلق به زیست جهان عرفی، به نوعی گرایش به دین خصوصی و تکثرگرایی دینی قوی‌تر است و بر این اساس، در برنامه‌های این تشکلهای دین حضور و نمود کم‌تری دارد و به بیان مدیر کل فرهنگی وقت دانشگاه، در این کانون‌ها «یا دین اصلاً مطرح نیست یا اولویت‌های اول دانشجویان مسائل دینی نیست»¹. شوراهای صنفی در واقع نمود بخش قابل توجهی از زیست جهان عرفی دانشجویان است و صرف نظر از این که چه کسانی اعضای اصلی شوراهای صنفی دانشکده‌ها باشند، این شوراهای عمدتاً کارهای معینی مانند برگزاری اردوهای دانشجویی، برگزاری کلاس‌های فوق برنامه و آموزشی مکمل، و پیگیری حقوق صنفی دانشجویان را انجام می‌دهند. آنچه در این جا بیش‌تر به‌عنوان نمایندگان زیست جهان عرفی مدنظر داریم، برخی کانون‌های فرهنگی و هنری هستند که فعالیت‌های فرهنگی و هنری متنوع‌تری دارند؛ هر چند این کانون‌هایی که در زیر‌بدان‌ها پرداخته خواهد شد، بیش‌تر نمود حد نهایی این زیست جهان هستند. این کانون‌ها عبارتند از کانون گفتگو (ی تمدن‌ها)، کانون کتاب و کتابخوانی، کانون ادبی، و کانون تئاتر.

کانون گفتگو (ی تمدن‌ها) در سال 79 با اهداف کلی «ترویج گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها»، «توسعه و ترویج همه‌جانبه فرهنگ گفتگو و تضارب آراء» و «شناخت و گسترش جامعه‌شناسی جهانی با توجه به تماس فرهنگی سنت‌ها» تشکیل شد² اما بعد از گذشت دو سال این کانون به کانون گفتگو تغییر نام داد و عملاً رویکرد آن نیز تغییر کرد به طوری که، همان‌گونه که از عناوین برنامه‌های این کانون آشکار می‌شود، فعالیت‌های این کانون کم‌تر به موضوع گفتگوی تمدن‌ها اختصاص دارد. عمده فعالیت‌های این کانون برگزاری سخنرانی با حضور افراد مختلف بوده است و عناوین مهم‌ترین سخنرانی‌های برگزار شده توسط این کانون عبارتند از: گفتگوی تمدن‌ها/ جنبش کارگری و جهانی شدن/ ایران و آمریکا/ جهان پس از 11 سپتامبر/ بررسی و نقد نظریه برخورد تمدن‌ها/ تکنوپولی/ نسبییت و گفتگو/ ترالوگ و من/ سینما، کیشلوفسکی/ جایگاه طنز در تعامل

1. مصاحبه محقق با مدیر کل فرهنگی وقت در بهار 1384

2. هر چند در اساسنامه این کانون عباراتی مانند «تقویت فرهنگ معنوی - اخلاقی و دینی» یا «اهتمام به شناختن و شناساندن فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در سطح داخل و جهانی» آمده است، اما برنامه‌های این کانون حاکی از این است که گویی این کانون کم‌تر به این امور اهتمام جدی داشته است.

بین فرهنگ‌ها/فمینیسم ناتورالیسم و نگاه غیرتاریخی/پیدایش اسرائیل/هستی مست/دین و آزادی/نقش دولت‌ها در گفتگوی تمدن‌ها/خرد چینی/سنت و مدرنیته/نگاهی به فلسفه دین فوئرباخ/مکاتب سیاسی/سیری در تاریخ روشنفکری ایران/قرآن پژوهی/هرمنوتیک/فرهنگ سیاسی و مسائل ایران/مکاتب و مفاهیم اقتصادی/تحلیل سیاسی/سیری در روشنفکری دینی/روزنامه‌نویسی از فردوسی تا اینترنت/مروری بر آثار داستان‌نویسی/شعر معاصر ایران/نشانه‌شناسی ادبی/ادبیات و فلسفه/نظریه زیباشناختی/فمینیسم پسااختارگرا/فمینیسم و مسئله زنان/تعديل ساختاری اقتصاد/استعمار ایرانی/هویت، ملت/اقتصاد مدرن/دولت و ملت/تجربه و شکاف نسلی/زیباشناسی از هگل تا لوکاخ/ایده‌هایی در باب تجربه/نیچه، فویرباخ و نقد دین در آلمان سده 19/فرهنگ و جنبش دانشجویی/طرحی از یک زندگی/نگاه انتقادی به نقد شعر معاصر/اروس و هدایت/پارادایم چپ/فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها/تعامل حوزه دین و نهاد دانشگاه/دانشگاه، دانشگاه است/روانکاوی فروید/ویرانه و رستگاری/زیبایی‌شناسی مخدر/نظام‌های تاریخی/کارکردهای گفتگویی دانشگاه/فمینیسم و ساختار قدرت/جامعه‌شناسی اینترنت/تجربه‌های سرکوب شده در زندگی دانشجویی/کارکردهای ایدئولوژیک دانشگاه/دوره پاپ آرت در هنر جهان/ناکارآمدی دانشگاه در جامعه ما/سیاست و امر روزمره/هایدگر، دلوز، روزمرگی/فوتبال و زندگی روزمره/ابژه‌های زندگی روزمره/ادبیات ژورنالیستی و تأثیر آن بر زندگی روزمره/زندگی معاصر و تحول نظام نشانه‌ای/از کوری تا بصیرت/آرای ژاک دریدا و پل دمان درباره دانشگاه/اخلاق جنسیت و زندگی روزمره/زندگی روزمره در سینمای دهه هفتاد ایران/هنر و اروتیسم/زندگی تباه شده دانشگاه و کلبی مشربی/برنامه‌ریزی فرهنگی و کارکردهای دانشگاه/قانون و خشونت/قدرت، زبان، زندگی روزمره/متافیزیک زندگی روزمره/فیلم فارسی/نقطه عطف در تحقیقات دانشجویی/جامعه‌شناسی مذهبی/بررسی و تحلیل جنبش‌های دانشجویی/آشنایی با نظام‌های گوناگون آموزشی/آزادی آکادمیک/دانشگاه و فلسفه/فمینیسم و مسائل مربوط به آن/نمایش فیلم کوتاه دانشجویی «دو برش با طعم عشق»/اجرای تئاتر دانشجویی «گریستن در حومه تهران»/اعتراض به رسم پرچم آمریکا جلوی در ورودی دانشگاه/برگزاری مراسم بزرگداشت هوشنگ ایرانی.

کانون کتاب و کتابخوانی در سال 1377 با هدف «پاسخ‌گویی به نیازهای مطالعاتی

دانشجویان و کانون‌های مختلف و آشنا نمودن آنان با کتاب و مطالعه در زمینه‌های ادبی، هنری و فلسفی» تأسیس شد. این کانون در واقع یک کتابخانه دانشجویی بود شامل حدود 4000 کتاب در زمینه‌های ادبیات و رمان، تاریخ و فلسفه غرب، جامعه‌شناسی، روانشناسی و ... در این کتابخانه کم‌تر کتاب‌هایی با مضامین اسلامی وجود داشت. همزمان با ارائه خدمات کتابخانه‌ای به دانشجویان، این کانون فعالیت‌های دیگری نیز در سطح دانشگاه داشت از جمله: نمایشگاه کتاب با موضوع اساطیر ایران باستان/نمایشگاه کتاب با موضوع رمان مدرن فارسی/نمایشگاه آثار شاملو/طرح «کتاب کوچک» (ایجاد ایستگاه‌های کتاب در سطح دانشگاه) با موضوعات آشنایی با فلاسفه قرن بیستم/مکاتب ادبی/تجربه‌های کوتاه/معرفی نویسندگان قرن فرانسه/بررسی آثار ساراماگو/بررسی رمان «برهنه در باد»/برگزاری کلاس ادبیات معاصر/بررسی هویت ملی ایرانی/اسطوره/کلاس ترجمه/بررسی و گفتگو درباره کتاب «ورود اسلام به ایران/کلاس وصف حال نویسی روزنامه نگاران/سنجش پوچ‌گرایی نیچه/سنجش هستی‌شناسی مارتین هایدگر/عرفان مدرن کاستاندا/تمرین مدارا/شعر امروز/شکاف‌های اجتماعی/جامعه‌شناسی مدرن/سیب سرخ حوا/هویت ملی و ... برگزاری همایش خیام/برگزاری مراسم شب یلدا. بر دیوارهای کانون کتاب و کتابخوانی عمدتاً تصاویر شعرای معاصر مانند اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخ زاد و فیلسوفان و رمان‌نویسان غربی مانند نیچه و فروید و داستایوسکی و ... نصب شده است.

کانون ادبی دانشگاه امیرکبیر در سال 1372 تأسیس شد و در این سال‌ها به ویژه سال‌های منتهی به سال 84 فعالیت‌های زیادی در زمینه ادبیات انجام داد. از جمله، این کانون چند جلسه شعرخوانی و نقد و بررسی شعر با حضور برخی شعرای معاصر و در سال‌های 82 و 83 برنامه‌هایی را با عناوین مجمع ادبی و ماه ادبی، با حضور نمایندگان کانون‌های ادبی دانشگاه‌های سراسر کشور، در دانشگاه برگزار کرده است. همچنین کارگاه‌هایی را در زمینه داستان، اسطوره‌شناسی، ترجمه ادبی، کاریکلماتور، نقد شعر امروز برگزار کرده و سخنرانی‌هایی با موضوعات دانش در ایران باستان، چگونگی پیدایش شاهنامه، لزوم ویرایش شاهنامه، رمز و راز در شاهنامه، طنز در دوره مشروطه، طنز در دوره توفیق، طنز گل‌آقایی، طنز در آثار سعدی، طنز در مثنوی معنوی، ادبیات دیجیتال، رونکاوای ادبیات، و بررسی دوره‌ای اشعار فروغ فرخزاد، شاملو، اخوان ثالث،

نیمایوشیخ، سهراب سپهری ترتیب داده است. بر دیوارهای کانون ادبی عمدتاً تصاویر شعرای معاصر مانند اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخ زاد و ... نصب شده است. کانون تئاتر دانشگاه امیرکبیر در سال 1369 تأسیس شد و تاکنون توانسته در جشنواره‌های دانشگاهی جوایز متعددی را به خود اختصاص دهد. این نمایش‌ها عبارتند از: نمایش «سهراب شنبه» در جشنواره دانشجویان سراسر کشور / 1373؛ نمایش «ته دنیا» در جشنواره دانشجویان سراسر کشور / 1378؛ نمایش «هر چه بهتر است مال شهر ماست» در جشنواره دانشجویان سراسر کشور / 1379؛ نمایش «خواهش می‌کنم»، «ترحم در تاریخ» و «شب مرلین فینچ» در پنجمین جشنواره تئاتر دانشجویی فجر / 1380؛ نمایش‌های «آشویتس» و «کافه یونسکو» در ششمین جشنواره تئاتر دانشجویی فجر / 1381؛ نمایش‌های «مارون» و «مانیشکا» در هفتمین جشنواره تئاتر دانشجویی. علاوه بر این نمایش‌ها، کانون تئاتر نمایش‌های بسیاری را در سطح دانشگاه امیرکبیر نیز اجرا کرده که عبارتند از: بوقلمون صفتان؛ در منطقه جنگی؛ شمارش معکوس؛ آهو؛ مایا؛ می‌خواستم یکدل باشم یکدل؛ صندوق پست؛ به من می‌گن مک کنا؛ گفتگوی بی‌پایان؛ درخت خرمالو؛ تریلوژی چاق و لاغر؛ بازی با مهره‌های سیاه؛ خرس؛ خواستگاری؛ کافه یونسکو؛ روز از نو، روزی از نو؛ لج و لجازی؛ یک اتاق و دو در؛ پیک نیک در میدان جنگ؛ تماس؛ مینیاتورها؛ حیرت 62؛ عروسکها؛ عیش و نیستی.

علی‌رغم تفاوت‌هایی که شکل‌ها و کانون‌های متعلق به زیست‌جهان عرفی با یکدیگر دارند، بسیاری از اعضای آن‌ها با هم دوست هستند و تعامل دارند و حتی برخی افراد با همه این کانون‌ها در ارتباط هستند. نمود هماهنگی و همکاری این کانون‌ها برگزاری دو برنامه به نام «جشنواره تابستانی امیرکبیر» در سال‌های 82 و 83 با حضور همه این کانون‌های فوق‌الذکر و با محوریت کانون گفتگو بود، به طوری که بخش قابل توجهی از برنامه‌های این کانون‌ها مربوط به این دو جشنواره بوده است.

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، مروری بر برنامه‌های این کانون‌ها نشان می‌دهد که تقریباً دین در این برنامه‌ها غایب است و این بدان دلیل است که اساساً در این کانون‌ها نگاه به دین کاملاً متفاوت از نگاه کانون‌های متعلق به زیست‌جهان اصولگرایی انقلابی به دین است. در این کانون‌ها اصولاً نگاه به دین به‌عنوان یک امر شخصی و دورنی بیش‌تر مطرح

است تا یک امر اجتماعی و سیاسی. به طور مشخص تر، اعضای این کانون‌ها با تفسیر مبتنی بر فقه و شریعت از دین مخالف هستند و این مخالفت در نوع نگاه آن‌ها به حجاب و نوع ارتباط با جنس مخالف نمود بیش تری می‌یابد، به طوری که در این کانون‌ها، بر خلاف کانون‌ها و تشکل‌های متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی، حجاب اسلامی به صورت کامل رعایت نمی‌شود و دانشجویان خانم مرتبط با این کانون‌ها به ندرت چادر می‌پوشند و حتی پوشش آن‌ها از منظر هنجارهای رسمی جامعه، نامناسب ارزیابی می‌شود. همچنین دانشجویان پسر عضو این کانون‌ها نیز، از منظر هنجارهای رسمی جامعه، کم‌تر ظاهر اسلامی دارند. به علاوه اینکه، باز بر خلاف کانون‌های متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی، فضای این کانون‌ها بین خانم‌ها و آقایان منفک نشده است و دانشجویان دختر و پسر به صورت همزمان در تنها دفتر مرکزی هر یک از این کانون‌ها حضور می‌یابند، و به لحاظ آداب معاشرت بین خانم‌ها و آقایان نیز نسبت به کانون‌های دیگر آزادتر است. همچنین اعضای این کانون‌ها به ندرت با روحانیون در ارتباط هستند و یا در مسجد دانشگاه و نمازهای جماعت یا مراسم مذهبی در دانشگاه حضور می‌یابند.

در زمینه سیاسی، این کانون‌ها کم‌تر به صورت مستقیم وارد سیاست می‌شوند، اما برنامه‌های آن‌ها و رفتارها و کردارهای اعضای این کانون‌ها نشان از رویکرد انتقادی این کانون‌ها به سیاست‌های جمهوری اسلامی دارد. اساساً این کانون‌ها کم‌تر تعلق خاطر به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دارند و در برنامه‌های آن‌ها نیز این امر به خوبی دیده می‌شود. به عنوان مثال، در کتابخانه کانون کتاب و کتابخوانی از آثار امام خمینی یا مجموعه آثار شهید مطهری یا دیگر اندیشمندان اسلامی کم‌تر خبری است. یا در مجموعه برنامه‌های کانون گفتگو، کم‌تر برنامه‌ای وجود دارد که همراستا با راهبردها و اهداف جمهوری اسلامی باشد. به بیان دیگر، در مقابل کانون‌های متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی که بیش‌تر دغدغه عدالت دارند، این کانون‌ها بیش‌تر دغدغه آزادی دارند و به جای نقد غرب و غربگرایی، مروج اندیشه‌ها و اندیشمندان غربی هستند (نگاه کنید به برنامه‌های کانون گفتگو) و بیش‌تر به نقد استبداد می‌پردازند. این کانون‌ها بیش‌تر از آنکه به فلسفه و اندیشه اسلامی توجه داشته باشند، به فلسفه و ادبیات و هنر غرب توجه دارند و به بیانی، به جای توجه به دوره اسلامی، بیش‌تر به تاریخ باستان ایران توجه دارند (نگاه کنید به برنامه‌های کانون کتاب و کتابخوانی). به عبارتی، اگر کانون‌های متعلق به

زیست جهان اصولگرایی انقلابی حاصل پیوند فرهنگ ایرانی و اسلامی است، کانون‌های متعلق به زیست جهان عرفی حاصل پیوند فرهنگ ایرانی و غربی است. این امر در ذائقه هنری و موسیقایی این کانون‌ها نمود بیش‌تری پیدا می‌کند. همان‌گونه که از برنامه‌های کانون تئاتر آشکار است، اعضای این زیست جهان اساساً به هنر غربی اهمیت بسیار بیش‌تری می‌دهد و موسیقی و رمان و فیلم خارجی در بین اعضای این کانون‌ها بسیار رایج است، به‌طوری که بخش قابل توجهی از تصاویر نصب شده بر دیوارهای این کانون‌ها را نویسندگان و هنرپیشگان غربی تشکیل می‌دهد.

جمع‌بندی

اجرای برنامه‌های توسعه از اواخر دهه 60 در ایران و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، باعث تنوع روزافزون شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌ای داخلی و خارجی و، بالتبع آن متکثر شدن وضعیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه ما شده است. یکی از جاهایی که این وضعیت در آن نمود و ظهور آشکاری یافته است، محیط‌های دانشگاهی و به‌ویژه محیط‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها است. در این وضعیت، بسیاری از رفتارها، کنش‌ها، ذائقه‌ها و فضای فکری و احساسی دانشجویان تغییر زیادی کرده و بالتبع، این تغییرات تا حدی به حوزه رفتارها و کنش‌های دینی و مذهبی دانشجویان نیز کشیده شده است، به‌طوری که پژوهش‌های اجتماعی مختلف در حوزه دانشجویی نشان می‌دهد که تلقی و نگاه دانشجویان به نهاد دین دستخوش تغییراتی شده است و در میان دانشجویان با طیفی از نگرش‌ها و دیدگاه‌ها نسبت به مقولات مختلف فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و به‌ویژه دین روبرو هستیم. به نظر می‌رسد، این تنوع و تکثر دیدگاه‌ها و نگرش‌ها در تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی نیز تبلور یافته است و تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی طیف وسیعی از رویکردها و اهداف را دنبال می‌کنند. مروری بر روند شکل‌گیری و توسعه تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی مؤید این نظر است: از اواسط دهه 70 به بعد با رشد روزافزون تعداد تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها روبرو بوده‌ایم که شکل‌گیری شوراهای صنفی مهم‌ترین نمود آن است. اما از نیمه دوم دهه 70 متکثر شدن فضای اجتماعی و سیاسی جامعه و به تبع آن محیط دانشجویی در دانشگاه‌ها سرعت شتابانی گرفت و این تکثر در شکل‌گیری و تقویت کانون‌های فرهنگی و هنری، با رویکردهای مختلف، در دانشگاه‌ها

نمود و تبلور یافت.

بنابراین، به این سوال مطرح شده در ابتدای مقاله که «آیا می‌توان گفت فضای فرهنگی و اجتماعی دانشجویان، یا آنچه که بر اساس چارچوب مفهومی این مقاله زیست‌جهان دانشجویان نامیده می‌شود، دچار چندگانگی و تکرار شده است؟»، می‌توان پاسخ مثبت داد. به عبارت دیگر، با تحلیل عامل صورت گرفته بر رفتارها و کنش‌های مذهبی دانشجویان و نحوه گذران اوقات فراغت آن‌ها، این نتیجه حاصل شد که می‌توان سخن از یک زیست-جهان با محوریت مؤلفه‌های «شرکت در مراسم مذهبی مانند نماز جماعت و عزاداری‌ها و جشن‌های مذهبی» و «استفاده از برنامه‌های مذهبی رسانه‌ها» و زیست‌جهان دیگری با محوریت مولفه‌هایی مانند «گپ و گفتگو درباره مباحث ادبی و هنری»، «مطالعه کتب ادبی و تاریخ ایران» «مطالعه کتب تاریخ و فلسفه غرب»، «طرح مباحث برون‌دینی در گفتگوهای دوستانه» گفت. زیست‌جهان اول را زیست‌جهان اصول‌گرایی انقلابی و زیست‌جهان دوم را زیست‌جهان عرفی نامگذاری کردیم. البته نشان دادیم که تفاوت دو زیست‌جهان اصولگرایی انقلابی و عرفی نه در میزان باورهای دینی و حتی دینداری دانشجویان مرتبط با هر یک از دو زیست‌جهان بلکه در گرایش‌های متفاوت آن‌ها به دین خصوصی یا گزینش‌گری و تکررگرایی در دین است. به عبارت دیگر، دانشجویان متعلق به زیست‌جهان اصولگرایی انقلابی تفسیری اجتماعی‌تر از دین ارائه می‌کنند و بیش‌تر، دین را نظام جامعی می‌دانند که تنها راه رسیدن به حقیقت است و کم‌تر حق گزینش‌گری در آن وجود دارد. در حالی که دانشجویان متعلق به زیست‌جهان عرفی تفسیری خصوصی‌تر و شخصی‌تر از دین ارائه می‌کنند و بنابراین کم‌تر به انحصار حقیقت در یک دین خاص باور دارند و بیش‌تر از دانشجویان زیست‌جهان اصولگرایی انقلابی، برای خود حق گزینش‌گری در دین قائل هستند. متناظر با گستره این دو زیست‌جهان در بین عموم دانشجویان، در سطح تشکل‌های دانشجویی، به ویژه کانون‌های فرهنگی و هنری، نیز این دو زیست‌جهان را احصاء کردیم. یعنی نشان دادیم که با مرور بر عناوین، اساسنامه‌ها، رویکردها و برنامه‌های تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه امیرکبیر می‌توان دو دسته تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی را از هم تفکیک کرد: یک دسته از تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی هستند مانند بسیج دانشجویی، کانون اندیشه دانشجوی مسلمان، و کانون انتظار، و دسته دیگر تشکل‌ها و کانون‌های

دانشجویی که به نوعی تجلی زیست جهان عرفی در محیط دانشجویی دانشگاه هستند مانند شورای صنفی دانشجویان و برخی کانون‌های فرهنگی دانشگاه امیرکبیر از جمله کانون گفتگوی (تمدن‌ها)، کانون کتاب و کتابخوانی، کانون ادبی، و کانون تئاتر و حتی انجمن اسلامی دانشجویان.

تعلق خاطر به انقلاب اسلامی و پایبندی به نظام جمهوری اسلامی ایران، تفسیر فقه‌ای و مبتنی بر شریعت از ارزش‌های اسلامی، دغدغه عدالت اجتماعی و مخالفت با غرب‌گرایی و به ویژه آمریکاستیزی، و گرایش به هنرهای با مضامین ارزشی و دینی و معنویت‌گرا از ویژگی‌های عمده تشکل‌ها و کانون‌های متعلق به زیست جهان اصولگرایی انقلابی شناخته شد، و طرد تفسیر مبتنی بر فقه و شریعت و تفسیری شخصی و درونی از دین، رویکرد انتقادی به سیاست‌های جمهوری اسلامی، دغدغه آزادی و نفی استبداد، گرایش به غرب و ایرانی‌گری، و گرایش به هنرهای غربی اعم از موسیقی و فیلم و رمان غربی از ویژگی‌های عمده تشکل‌ها و کانون‌های متعلق به زیست جهان عرفی شناخته شد.

منابع

- اداره کل فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری. 1378. گزارش اولین همایش فعالین کانون‌های فرهنگی دانشجویان سراسر کشور.
- اداره کل فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری. 1383. گزارش دومین همایش فعالین کانون‌های فرهنگی دانشجویان سراسر کشور.
- اداره کل فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری. 1380. آیین‌نامه کانون‌های فرهنگی دانشجویان. آرشه، گی. 1385. لائسیته، ترجمه عبدالوهاب احمدی. تهران: نشر آگاه.
- آزاد ارمکی، تقی و احمد غیاثوند. 1381. تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی-شکلی دین‌ورزی، پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی، شماره 35.
- آزاد ارمکی، تقی و وحید شالچی. 1386. دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره 4.
- اعظم زاده، منصوره و زینب جدابابایی. 1387. نقش ویژگی‌های ساختاری و عناصر رابطه‌ای در شکل‌گیری انواع گرایش‌های دینی در بین دانشجویان، دو فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره 35، زمستان 1387
- برگر، پیتر و تامس لاکمن. 1375. ساخت اجتماعی واقعیت؛ رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- برگر، پیتر و همکاران. 1380. افول سکولاریسم. ترجمه امیر افشاری. تهران: نشر پنگان.
- برگر، پیتر. 1383. بر خلاف جریان، در «چالش‌های دین و مدرنیته»، ترجمه سید حسین سراج زاده، تهران:

- طرح نو.
- برگر، پیتر و بریجیت برگر و هانسفرید کلنر. 1381. ذهن بی خانمان؛ آگاهی و نوسازی. ترجمه محمد ساوجی. تهران: نشر نی.
- توسلی، غلامعباس و ابوالفضل مرشدی. 1386. بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره 4.
- جلیلی، هادی. 1383. تاملاتی جامعه‌شناسانه درباره سکولار شدن. تهران: طرح نو.
- حبیب‌زاده، رامین. 1384. انواع دینداری دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. دانشگاه تربیت مدرس.
- حسینی هاشم‌زاده، داوود. 1379. بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رجب‌زاده، احمد. 1379. دانشگاه، دین، سیاست. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ریتزر، جورج. 1380. نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- سراج‌زاده، حسین و فاطمه جواهری. 1380. نگرش‌ها و رفتار دانشجویان. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- شاینر، لاری. 1383. مفهوم سکولار شدن در پژوهش‌های تجربی. ترجمه سید حسین سراج‌زاده. در چالش‌های دین و مدرنیته. تهران: طرح نو.
- شجاعی‌زند، علیرضا. 1384. مدلی برای سنجش دینداری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره 1.
- علیزاده شالدهی، اسماعیل. 1380. رویکرد دینی و فرهنگ سیاسی دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فاضلی، محمد. 1384. مدیریت فرهنگی دانشگاه‌ها در سال‌های 1376 تا 1384. تهران: اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- فاضلی، محمد. 1386. تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره 1.
- متز، جوآچیم. 1389. آیا سکولاریزاسیون فرایندی جهانی است؟، در «بومی و جهانی: تغییرات اجتماعی در آسیای جنوب شرقی»، ترجمه ابوالفضل مرشدی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مرجایی، سید هادی. 1379. بررسی ایمان دینی و دینگرایی دانشجویان دانشگاه تهران، گزارش پژوهشی جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مرشدی، ابوالفضل. 1387. آسیب‌شناسی اجتماعی دانشگاه؛ مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ارائه شده در همایش ملی آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان، دانشگاه شیراز، 25-24 اردیبهشت 87.

میرسندسی، سید محمد. 1383. مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

نایی، هوشنگ و تقی آزاد ارمکی. 1385. سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی (مطالعه موردی جامعه شهری تهران). مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره 3.

نشریه «اندیشه» (نشریه کانون اندیشه مسلمان) دانشگاه امیرکبیر، شماره 3.

نشریه «آئینه» (نشریه کانون اندیشه مسلمان) دانشگاه امیرکبیر، شماره‌های 35-30.

نشریه «خبرنامه بسیج» دانشگاه امیرکبیر، شماره‌های 20-10.

نشریه «واژه» دانشگاه امیرکبیر، شماره‌های 22-15.

همیلتون، ملکم. 1381. جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات تبیان.

وبر، ماکس. 1382. علم در مقام حرفه، در «دین، قدرت، جامعه»، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.

ویژه‌نامه معرفی کانون‌های فرهنگی دانشگاه صنعتی امیرکبیر. 1382، ویژه‌ورودی‌های 82.

ویژه‌نامه معرفی کانون‌های فرهنگی دانشگاه صنعتی امیرکبیر. 1383، ویژه جشنواره کانون‌های فرهنگی سراسر کشور.

Berger, Peter L. (1967). *Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*, Anchor Books/ Doubleday.

Berger, Peter L. (1980). *From Secularity to World Religions*, Christian Century 16.

Berger, Peter L. (2001). *Reflections on the Sociology of Religion Today*, www.findarticles.com.

Berger, Peter L. (2001). *Postscript*, in *Peter Berger and the Study of Religion*, Edited by Linda Woodhead, London and New York: Routledge.